

باسمه تعالی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
رئیس‌جمهور و ارتباطات

نسخه نهایی طرحنامه برای طرح در شورای پژوهشگاه ۹۹,۳,۲۱

کاربرگ طرحنامه پژوهشی

عنوان طرح: تحلیل رویکرد سینمای ایران بعد از انقلاب به اخلاق اسلامی : مطالعه فیلمهای پرفروش چهاردهه
پیشنهاددهنده: علیرضا دهقان نیری

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی‌کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می‌داند.

عنوان طرح:

تحلیل رویکرد سینمای ایران بعد از انقلاب به اخلاق اسلامی: مطالعه فیلمهای پر فروش چهاردهه

خلاصه طرح: به نظر می رسد سینما در مقایسه با دیگر هنرها رابطه بیشتری با زمینه اجتماعی خود دارد و فیلم ها به نوعی هم تصورات ما را درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بازنمایی می کنند و هم به شیوه هایی که ما درباره این مسائل می اندیشیم شکل می دهند. فیلم سینمایی در کنار سایر منابع شناخت بر ساخت اجتماعی واقعیت اثر می گذارند و می توان بازنمایی را در ساخت رسانه ای و زبانی واقعیت دخیل دانست. ضمناً این بازنمایی نه امری خنثی و بی طرف، که آمیخته با روابط و مناسبات قدرت جهت تولید و اشاعه معانی مرجع است. بنابراین می توان از فیلم ها به عنوان یکی از ابزارهای بازنمایی و برساخت مناسبات و هنجارهای اخلاقی سخن به میان آورد.

با سرعت گرفتن روند تجدد و تغییرات حاصل از آن در جامعه، به نظر می رسد یکی از عرصه هایی که در مواجهه با تلاطم فرهنگی و ساختاری دچار دگردیسی شده، نگرش به اخلاق و مقولات اخلاقی است. این تغییرات به طور خاص در ایران دوره پهلوی و به ویژه در ایران بعد از انقلاب مورد توجه بوده است. در فلسفه اخلاق و قواعد اخلاقی و نسبت آن با جامعه نیز ارزش های اخلاقی پیوند زیادی با رجحان و ترجیح مکاتب فکری دارد. یعنی در برخورد و مواجهه با دو یا چند امر، انتخاب و گرایش به یک سمت و خروج از حالت بی تفاوتی، نیازمند دخالت عامل «ارزش» است. به عبارت دیگر همیشه مشکل رفتار انسانی یا تصمیم گیری سازمانی تقید یا عدم تقید به اصول اخلاقی شناخته شده مانند راست گویی نیست، بلکه در خیلی از موقعیت مشکل انتخاب میان دو ارزش اخلاقی یا چند ارزش اخلاقی است که هریک به طور جداگانه و در جای خود پذیرش اجتماعی دارند.

با توجه به مقدمه گفته شده می توان گفت اخلاق بازنمود شده در سینما با جهان اجتماعی و مناسبات متحول شونده قدرت و ساختارهای اجتماعی پیوند دارد. لذا با تحلیل فیلم های سینمایی می توان به تصویری از نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی یک جامعه، همچنین به خواسته ها، علایق و آرزوهای اقشار مختلف جامعه دست یافت. این پژوهش نیز با قرار گرفتن در سنت مطالعات فرهنگی در حوزه سینما در پی آن است تا از راه تحلیل برخی آثار سینمایی، به فهم سوژه اخلاق و بنیادهای آن در بخشی از فضای گفتمان اجتماعی فرهنگی جامعه ایران در ایران بعد از انقلاب دست یابد. فیلم ها می توانند به مثابه تاریخ فرهنگی مطالعه شوند و بازتاب دهنده جریان های فرهنگی باشند. بنا بر آن چه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش این است که ارزش های اخلاقی حاکم بر فیلم های سینمایی ایران در چهار دهه گذشته چه تطوراتی داشته است. این تحلیل از طریق تهیه و کاربرد یک الگوی روشی تحلیل گفتمانی در خصوص فیلمهای پرفروش در چهار دهه گذشته انجام خواهد شد و به مفصل بندی گفتمانی احتجاجات اخلاقی دیالوگ ها و نیز روایت فیلم از اخلاق در نسبت با تحولات تاریخی پس از انقلاب در عرصه های مختلف اجتماعی خواهد پرداخت.

تاریخ ارائه: ۹۹/۲/۱. مدت اجرا: یک سال. بودجه پیشنهادی: ۳۶..... میلیون تومان

ویرایش اول: ☐ دوم: ☐ سوم: ☒ چهارم: ☐

پژوهشگر: هنر گروه پژوهشی: سینما.

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری): .. سینما و فرهنگ

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری) اخلاق و نظام اخلاقی در سینمای ایران

*. نوع پژوهش: بنیادی ☒ کاربردی ☐ توسعه ای ☐

تکمیل توسط پژوهشگر

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش ها و مکانیزم ها و محصولات منجر می شود.

۱. مشخصات مجری یا مدیر طرح:

نام و نام خانوادگی: ..علیرضا دهقان نیری..... نام پدر: شماره شناسنامه: محل تولد:نیر.....

محل صدور:نیر..... سال تولد: روز ...دهم..... ماه ...خرداد..... سال آخرین مدرک تحصیلی(دانشگاهی/حوزوی):.....دکتری..... رتبه علمی(دانشگاهی / حوزوی):...دانشیار..... پایه استخدامی: ۲۸.....

کد ملی: ۱

نشانی محل کار:...

کد پستی:

نشانی منزل: ... ۲..... کد پستی:

تلفن منزل: تلفن محل کار:

تلفن همراه: نمابر: آدرس پست الکترونیک:adehghan@ut.ac.ir.....

سوابق تحصیلی از لیسانس به بعد:

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل	نام کشور	سال اخذ مدرک
۱	کارشناسی	جامعه شناسی	دانشگاه تهران	ایران	۱۳۶۴
۲	کارشناسی ارشد	علوم اجتماعی	تربیت مدرس	ایران	۱۳۶۸
۳	دکتری	علوم اجتماعی	سیدنی	استرالیا	۱۳۷۵

سوابق شغلی و تجربی (به ترتیب از حال حاضر به قبل):

ردیف	محل کار	سمت	مدت	شهر-کشور
۱	دانشگاه تهران	هیأت علمی	۲۲ سال	تهران/ایران

طرح‌های تحقیقاتی انجام داده و یا در حال اجرا:

ردیف	پروژه	محل اجرا	سال اجرا	وضعیت	نوع همکاری	مبلغ
۱	نظارت والدین بر استفاده فرزندان از اینترنت	تهران/پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات	۱۳۹۴	خاتمه	مجری	
۲	مطالعه ابعاد نظارت والدین بر مصرف بازی های ویدئویی فرزندان و ضرورت ایجاد نظام رتبه بندی.	فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین	۱۳۹۶	خاتمه		
۳	تجربه گردشگری در محیط واقعی و مجازی.	تحقیقات فرهنگی ایران	۱۳۸۷	خاتمه		
۴	تقابلهای اخلاقی در تعاملات کاربران ایرانی رسانه های اجتماعی(مطالعه شش رویداد در یوتیوب، فیس بوک و اینستاگرام)	فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات	۱۳۹۵	خاتمه		

دیگر فعالیت‌های پژوهشی (کتاب، مقاله و ...):

ردیف	عنوان فعالیت پژوهشی	محل	ناشر	سال
۱	ترجمه کتاب کاربرد نظریه های ارتباطات	تهران	علمی فرهنگی	۱۳۹۷
۲	ترجمه کتاب نظریه های ارتباطات	تهران	دانشگاه تهران	۱۳۸۲ چاپ اول
۳	ترجمه کتاب نظریه های روابط عمومی	تهران	مرکز تحقیقات رسانه ها	۱۳۷۶
۴	ترجمه کتاب دمکراسی و خبر	تهران	سمت	۱۳۸۵
۵	ترجمه کتاب اثرهای رسانه ها	تهران	علمی فرهنگی	۱۳۹۸
۶	کتاب نظارت والدین بر استفاده فرزندان از اینترنت	تهران	پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات	۱۳۹۷

۲. بیان مسأله (معرفی ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق):

تولید هنری در شبکه پیچیده روابط انسانی و گروه‌های اجتماعی و در متن رؤیاهای تجربی روزمره تولید و اجرا می‌شود. واقعیت‌های اجتماعی بیرونی، تجربه‌های زیسته و معناهای تجسم یافته در محیط اجتماعی، به واسطه کنش خلاقانه هنرمند در قالب اثر هنری از نو خلق می‌شود. اثر هنری دریچه‌ای به مطالعه جامعه است. همان‌طور که دووینیو می‌گوید سینما آن‌چه را که پیش تر تنها به صورت ضمنی در مناسبات بشری وجود داشت، علنی می‌کند و در مقام نوعی هنر کولاژ دوباره ترکیب بندی می‌کند (به نقل از علیخواه و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸) در این میان سینما در مقایسه با دیگر هنرها رابطه تنگاتنگ تری با زمینه اجتماعی خود دارد و فیلم‌ها به نوعی تصورات ما را درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بازنمایی می‌کنند و به شیوه‌هایی که ما درباره این مسائل می‌اندیشیم شکل می‌دهند. (دووینیو، ۱۳۷۹: ۶) هرچند سینما قابلیت آن را ندارد که به طور کامل هرچه در واقعیت وجود دارد، بی‌کم و کاست به تصویر درآورد، همیشه ارتباطی با واقعیت بیرونی دارد. بستگی‌های متقابل هنر و زندگی اجتماعی اگر در رویکرد فلسفی یا وجودشناسانه‌ی هنر برای هنر صفر است و از این رو هنر در آن فاقد بعد جامعه‌شناختی است، اما در باقی رویکردهای جامعه‌شناسی هنر با اختلاف درجه و تفاوت تبیینی میان آن دو ارتباط وجود دارد؛ و دستکم به بیان الکساندر هنر به واسطه جامعه مشروط شده و تعیین می‌یابد (۲۰۰۳: ۲۱) مطابق نظریات جدید بازنمایی نیز سینما بر ساخت اجتماعی واقعیت اثر می‌گذارند و بنابر این بازنمایی را باید ساخت رسانه‌ای و زبانی واقعیت دانست. این بازنمایی نه امری خنثی و بی‌طرف، که آمیخته با روابط و مناسبات قدرت جهت تولید و اشاعه معانی مرجح است. رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای مهم اجتماعی سازی در دنیای مدرن با بازنمایی الگوهای هنجاری حاکم بر زندگی اجتماعی در قالب اجراهای نمایش گونه عملاً نقش برساننده و بازتولید کننده هنجارها را در زندگی اجتماعی امروز بر عهده می‌گیرند و بدین ترتیب می‌توان از آن‌ها به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند برای بازنمایی و بر ساخت مناسبات و هنجارهای اخلاقی سخن به میان آورد.

با سرعت گرفتن روند مدرنیسم و تغییرات حاصل از آن در جامعه، به نظر می‌رسد یکی از عرصه‌هایی که در مواجهه با تلاطم فرهنگی و ساختاری دچار دگردیسی شده، نگرش به اخلاق و مقولات اخلاقی در کالبد ساختاری جامعه بوده است. این تغییرات به طور خاص در ایران دوره مدرن و به ویژه در ایران بعد از انقلاب مورد توجه بوده است. درباره فلسفه اخلاق و قواعد اخلاقی و نسبت آن با جامعه باید گفت به نظر می‌رسد ارزش اخلاقی پیوستگی و وابستگی تام و تمامی با رجحان و ترجیح دارد. یعنی در برخورد و مواجهه با دو یا چند امر، انتخاب و گرایش به یک سمت و خروج از حالت بی‌تفاوتی و لایشرطی، نیازمند دخالت عامل «ارزش» است. هر ترجیحی مستلزم حضور و درک ارجمندی در مورد گزینش شده است. به لحاظ منشأ، بسیاری برای اخلاق (و این ترجیحات) به خاستگاه اجتماعی قائلند. اگر امری را ارزشمند قلمداد می‌کنیم، به لحاظ پدیدارشناختی و با مراجعه به درون و وجدان خود آن را مطلوب می‌دانیم. این حسن تلقی و مقبولیت مردمی، دخیل در مقبولیت فردی آن ارزش‌هاست. در سنت کلام اسلامی، عدلیه (شیعه و معتزله) هم تحسین و تقبیح عقلای جامعه را در ارزش‌های اخلاقی دخیل می‌دانند. به این ترتیب آنچه را ما به لحاظ فردی ارزشمند

می‌شماریم از آن‌روست که همگان آن را ارزشمند می‌دانند. به‌زبان منطقی و فلسفی، احکامی همچون حسن عدل و قبح ظلم به‌عنوان بنیان‌های اخلاق، از نظر فلاسفه‌ای مانند ابن سینا به‌عنوان مشهورات به‌معنای اخص قلمداد شده‌اند و مشهورات به معنای اخص گزاره‌هایی هستند که در ظرف اجتماع و اذهان عموم انسان‌ها مورد اذعان قرار گرفته‌اند و واقعیت آن‌ها همان اذعان و اشتها عمومی آن‌هاست. چنین ارتباطی میان اخلاق و جامعه در برخی نظام‌های اخلاقی واضح‌تر است. برای مثال اگر در فلسفه‌ی اخلاق، نتیجه‌گرا باشیم انطباق اخلاق و هنجارهای اجتماعی به‌روشنی عیان می‌شود. اما در مبنای فضیلت‌گرایی که اخلاقی بودن به ملکات و فضایل نفسانی فاعل بر می‌گرداند، ارتباط اخلاق و اجتماع قدری بیش‌تر به بررسی نیاز دارد. در این تلقی این ظرفیت وجود دارد که با فردی تعریف کردن فضایل، دامن اخلاق را از صحنه‌ی اجتماع برچید و اخلاق و اخلاقی زیستن به رهبانیت و عزلت‌گزینی از جامعه تعریف شود. حال آنکه واقعیت آن است که بسیاری از فضایل، هویت و ماهیتی اجتماعی دارند (عدالت، سخاوت، احسان و) و فضایل دیگر هم اساساً در زندگی و مناسبات با سایر افراد اجتماع فرصت بروز و ظهور می‌یابند. از همین‌روست که فارابی اساساً ملاک سعادتمندی را زیستن در مدینه‌ی فاضله می‌داند. ارسطو و افلاطون نیز به فضایل اجتماعی قائلند و اخلاق را با سیاست هم‌معان و یکسان می‌انگارند. (هوشنگی: ۱۳۹۲)^۱

با توجه به دو مقدمه گفته شده (نوع ارتباط میان سینما و جهان اجتماعی، و نیز ارتباط میان بنیادها و ارزش‌های اخلاقی و جامعه) می‌توان پیش‌بینی کرد نظام اخلاقی بازنمود شده در سینما واجد نسبت با جهان بیرون و مناسبات متحول شونده قدرت و ساختارهای اجتماعی باشد. باید توجه داشت که اگرچه که گاه در ظاهر اثر و نشانی از تأثیر مفاهیم عمیق‌تر فلسفی در فیلم‌ها نمی‌یابیم؛ در برداشتی کلی‌تر در ژرف ساخت آثار سینمایی، دیدگاه‌هایی شیرازه داستان را گرد می‌آورد که خواه‌ناخواه مبتنی بر یک جهان‌بینی و تحت‌تأثیر گونه‌ای کلیت‌بخشی فلسفی به کار جهان و انسان است (شمالی، ۱۳۸۶: ۵۰). در ژرف ساخت هر فیلم نحوه نگاه به نظام اسباب هستی، ساز و کار رویارویی خیر و شر، و نوع کنشگری انسانی، و تعریفی از فضایل انسانی مندرج است؛ و روایت مخاطب از این مفاهیم همان‌گونه که در این فرآورده‌های رسانه‌ای تجلی می‌کند، تحت تأثیر آن است. لذا با تحلیل فیلم‌های سینمایی می‌توان به تصویری از نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی یک جامعه، همچنین به خواسته‌ها، علایق و آرزوهای اقشار مختلف جامعه دست یافت. (علیخواه و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸) این پژوهش نیز با قرار گرفتن در سنت مطالعات فرهنگی در حوزه سینما در پی آن است تا به واسطه تحلیل آثار سینمایی، به فهم سوژه اخلاق و بنیادهای آن در بخشی از فضای گفتمان اجتماعی فرهنگی جامعه ایران در ایران بعد از انقلاب دست یابد. چرا که فیلم‌ها می‌توانند به مثابه تاریخ فرهنگی مطالعه شوند و بازتاب دهنده جریان‌های فرهنگی باشند. (ترنر به نقل از آزاد ارمکی و خالقی پناه: ۱۳۹۰)

علاوه بر آن چه گفته شد رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای مهم اجتماعی سازی در دنیای مدرن با بازنمایی الگوهای هنجاری حاکم بر زندگی اجتماعی در قالب اجراهای نمایش گونه عملاً نقش برساننده و بازتولید کننده هنجارها را در زندگی اجتماعی امروز بر عهده دارند و می‌توان از آن‌ها به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند برای بازنمایی و بر ساخت مناسبات و هنجارهای اخلاقی سخن به میان آورد. با این پیش فرض، در نگاه کلی این طرح با این هدف پیشنهاد شده است که با تحلیل نمونه ای از آثار سینمایی برگزیده شناختی از ارزش‌های اخلاقی روایت شده در این فیلم‌ها و در طی چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی و تغییرات احتمالی دست پیدا شود. براساس نتایج این طرح نه تنها فرض نسبت ارزش‌های اخلاقی سینمایی با میزهای مهم اجتماعی آزمون می‌شود و به شناخت روشمند اخلاق در آثار سینمایی اضافه می‌کند، بلکه می‌تواند به بازنگری در برنامه ریزی رسمی و و حک و اصلاح سیاست‌های سینمایی کمک کند. در چهارچوب این هدف این طرح بر آن است تا به مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی روایت شده در سینمای ایران بعد از انقلاب و تطورات آن بپردازد.

در دولت‌های مختلف در حوزه سینمایی شاهد بوده‌ایم که دفترچه سیاست‌های سینمایی تهیه شده و بعضاً در معرض عموم قرار گرفته است تا نظرات منتقدان و صاحب‌نظران در آن لحاظ شود. بنابراین یکی از سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد این است که سیاست‌های کلان سینمایی را بر اساس نظرات منتقدان و صاحب‌نظران تأیید نماید. اما این که از چه راه‌هایی می‌توان به سیاست‌های کلان رسید باید گفت بخشی طبیعتاً مربوط به سیاست‌های کلان فرهنگی است که در کشور در حال اجراء است و سینما نیز باید خود را با آن تطبیق دهد. اما اصلاح و کمک به این سیاست‌ها علاوه بر نظرخواهی از خبرگان و منتقدان می‌تواند با تحلیل آثاری که مورد توجه عموم قرار گرفته است نیز صورت بپذیرد، به این صورت که تحلیل فیلم‌ها می‌تواند این امر را روشن و مشخص نماید که چه موضوعات

^۱ وجه اجتماعی اخلاق در اندیشه‌ی غرب در ادوار سه‌گانه‌ی قدیم، وسطی و جدید غرب هویداست. اما در جهان اسلام این تلازم و دوشادوشی اخلاق و اجتماع و سیاست در فلسفه‌ی فارابی مسجل است. اما از زمان شیخ‌الرئیس و عمدتاً به‌جهت غلبه‌ی تفکر اشرافی و عرفانی شاهد نوعی فاصله گرفتن اخلاق از ساحت سیاست و اجتماع هستیم. اینکه در ابن سینا اخلاق در عرض و قسیم تدبیر منزل و سیاست مَدَن (تدبیر جامعه) قرار می‌گیرد به‌خوبی گویای غلبه وجهی فردی اخلاق (تدبیر نفس فردی) است.

و با چه رویکردی بیشتر مورد پسند مخاطبان قرار گرفته است. حال اگر این امر مربوط به حیطه مسائل اخلاقی باشد اهمیت آن دو چندان خواهد شد.

یکی از وظایف اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «ترویج و تقویت فرهنگی دینی و رشد فضائل اخلاقی»^۲ است. بر این اساس سیاستگذاری های فرهنگی باید متناسب با این وظیفه ذاتی باشد. به همین دلیل طبق راهبردهای محتوایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «ترویج و تقویت اخلاق اسلامی و فضائل انسانی بر پایه دین مداری و فرهنگ دینی» یکی از اصول اساسی برای تامین و تولید محتوا در محصولات فرهنگی است. طبق دفترچه سیاست های سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید «یکی از نتایج مضامین و درونمایه های تولیدات سینمایی»^۳ کشور «اخلاق گرایی» باشد. نتایج این پژوهش می تواند به شناسایی مضامین اخلاقی ترویج شده در سینمایی پرفروش کشور کمک شایانی نماید تا از این طریق به تطبیق این ارزش ها با اهدافی که وزارت ارشاد در ترویج و تقویت اخلاق اسلامی و رشد فضائل دینی برای خود معین کرده است، مبادرت ورزید. همچنین تحلیل فیلم های بیش از ۳۰ سال سینمای کشور می تواند به مبنایی برای اصلاح سیاست های کلان معاونت سینمای در حوزه اخلاق گرایی و رشد فضائل اخلاقی تبدیل شود. چرا که بخشی از راهبردهای اتخاذ سیاستگذاری و تعیین استراتژی های بر مبنای علائق مخاطبان باشد، که تحلیل فیلم های پرفروش می تواند یکی از این راه ها باشد.

پرسش های پژوهش:

در این طرح می خواهیم به پرسش های زیر پاسخ دهیم:

اول: مهم ترین ارزش های اخلاقی روایت شده در فیلم های پرفروش هریک از چهار دهه بعد از انقلاب چیست؟

دوم: از دهه اول تا دهه چهارم در ارزش های سینمایی چه تغییراتی رخ داده است؟

سوم: آیا تغییرات ارزشی احتمالی با تغییرات اجتماعی نسبتی دارد؟

۳. اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق:

علیرغم توجهات نسبت به مساله اخلاق در ایران بعد از انقلاب، و مناقشاتی که همواره درباره وضعیت و نقش سینما در آموزش اخلاقی جامعه وجود داشته است همان طور که در پیشینه تحقیق خواهد آمد توجه نظری و تحلیلی کافی به این موضوع نشده است و همه مطالعات انجام شده درباره اخلاق در سینما بیشتر به سطح «رفتار» های خرد اخلاقی پرداخته و به روایت ارزش های اخلاقی در سینما و نسبت آن با تغییرات اجتماعی کمتر توجه شده است.

علاوه بر این ضرورت شناخت نظری و تجربی، مقایسه یافته های میدانی با سیاست های کلان فرهنگی نیز بسیار مهم است. در اسناد بالادستی و نقشه های راه جمهوری اسلامی ایران به اخلاق و انسان و جامعه اخلاقی اشاره شده است. چنان که در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ یکی از اهداف سند، ایجاد جامعه ای اخلاقی بر شمرده شده است. در این زمینه سینما خود علاوه بر آن که تجلی مشروطی از اخلاق در جامعه است، بازتولیدکننده و مروج ارزش های اخلاقی نیز محسوب می شود. انتظار این است که یافته های این طرح کمکی برای ارزیابی مفاهیم اخلاقی و فیلم های اخلاقی برای برنامه ریزان فرهنگی، و سیاست گذاران و نقادان حوزه سینما باشد.

اهداف:

بر اساس آن چه گفته شد هدف از این پژوهش شناسایی ارزش های اخلاقی روایت شده در فیلم های پرفروش هریک از چهار دهه بعد از انقلاب است تا بتوان با توجه به رابطه دوسویه متن و مخاطب به تاثیر و تاثرات اخلاقی فیلمها و مخاطبان پرداخت. هدف دیگر پژوهش دستیابی به تطورات اخلاقی فیلمهای سینمایی مورد اقبال مخاطبان در تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی است. این هدف خود به هدف سومی که نسبت ارزش های اخلاقی سینمای ایران با ارزش های اخلاقی جامعه ایران است منجر خواهد شد.

۴. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

^۲ <https://www.farhang.gov.ir/fa/intro/duty>.

^۳ <http://cinemapress.ir/news/3033>.

به رابطه میان اخلاق و سینما در پژوهش‌های متعدد و از زوایای مختلفی پرداخته شده است. در این بخش گذر کوتاهی بر چند دسته از این پژوهش‌ها شده است.

دسته اول: یکی از زمینه‌های مطالعاتی که بخش بزرگی از کتابها و منابع موجود درباره اخلاق و فیلم بدان مربوط است، پی‌جویی مباحث فلسفه اخلاق و اخلاق در سینماست. در این آثار موضوع اصلی مباحث اخلاقی است و سینما به عنوان میانجی برای آموزش و یا توجه دادن به مباحث اخلاقی و فلسفه اخلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه شاو(۲۰۱۲) به تعدادی از موضوعات اخلاقی را که در میان آنان هم مباحث خرد و هم کلان وجود دارد یک فصل اختصاص داده و هر موضوع را در یک فیلم مورد توجه قرار داده است. هدف اصلی کتاب نه سینما، بلکه شناخت مفاهیم اخلاقی از طریق فیلم است. نمونه‌های از این دست بسیارند (برای نمونه نک. فالزن: ۲۰۰۲؛ کوالسکی: ۲۰۱۲؛ تیز: ۲۰۱۲)

دسته دوم - بخشی دیگر از آثار و پژوهش‌ها به اصول و قواعدهی اخلاقی که در «تهیه» فیلم مورد توجه قرار گیرد پرداخته‌اند. به عنوان نمونه داوونینگ و ساکستون (۲۰۱۰) که قواعد رعایت اخلاق در فیلم را در سرفصل‌های جنسیت، نژاد، عرضه رنج، پورنوگرافی و سانسور ارایه کرده و سپس مباحث نظری مرتبط بدان با استفاده از آرای کسانی همچون فوکو، لویناس، دریدا و نیز قواعد اخلاقی پست مدرن پرداخته‌اند. از این نوع پژوهش‌ها در زمینه اخلاق رسانه‌ای و نیز در هنر فراوانند که بستگی مستقیم با پژوهش حاضر ندارد.

دسته سوم - بخش دیگری از پژوهش‌ها به مباحث نظری ارتباط اخلاق و سینما توجه بیشتری داشته‌اند. برای نمونه پرسش اصلی رساله مهدی- یار (۱۳۹۰) این است که آیا ابزارهای مدرنی چون سینما پیام‌های اخلاقی را بدون هیچ دخل و تصرفی به مخاطب خویش منتقل می‌کنند؟ یا این رسانه‌ها به دلیل خواص ذاتی خود، قابلیت انتقال مفاهیم اخلاقی را نداشته و اصولاً با اخلاق اسلامی قابل جمع نیستند و استفاده از آنها برای ترویج اسلام، تأثیری معکوس بر جای خواهد گذاشت. این پایان‌نامه به تعریف اخلاق اسلامی از دیدگاه علمای شیعه (و بیشتر ناظر به آراء محمدتقی مصباح یزدی) پرداخته است. در این دیدگاه همه رفتارها و ملکات انسانی که قابل مدح و ذم باشند و دارای صبغه ارزشی، خواه مربوط به رابطه انسان‌ها با یکدیگر، یا رابطه انسان با خدا، یا رابطه انسان با خود و یا حتی رابطه انسان با طبیعت، در حوزه اخلاق قرار می‌گیرند؛ که اگر در مسیر کمال‌نهایی انسان که همان فلاح و رستگاری است قرار داشته باشند، اخلاقی و الا غیر اخلاقی محسوب می‌گردند. در این دیدگاه اخلاق هم در تعیین مصداق هدف‌نهایی و ملاک ارزش‌گذاری و هم در مقام تشخیص و تعیین افعال ارزشمند و ضد ارزش به شدت نیازمند اعتقادات و دستورات دین است. در گام بعد، پس از تعریف ذات سینما و ماهیت تکنولوژیکی آن (عمدتاً ناظر به آرای شهید آوینی)، دیدگاه‌های مربوط به رابطه دین و رسانه حول سه نظریه «ذات‌گرایانه»، «ابزارانگاران» و «اقتضاءگرایانه» بحث گردیده و نهایتاً دیدگاه اقتضاءگرایانه به عنوان نظریه‌ای که قائل به تعامل میان اخلاق و سینما است مورد تأیید قرار می‌گیرد. سپس سه فیلم سینمایی «خراجی‌ها ۳»، «سگ‌کشی» و «عروس» (پرفروش‌ترین فیلم‌های سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۷۹، ۱۳۶۹ به عنوان نمونه‌هایی از فیلم‌های سینمایی بعد از انقلاب) با ترکیبی از برخی روش‌های کیفی و با رویکردی اخلاقی مورد نقد و مطالعه قرار گرفته، تا علاوه بر اثبات امکان تعامل اخلاق و رسانه، (به نظر نویسنده) الگویی نو برای عیارسنجی و تولید فیلم‌های سینمایی با نگاه اخلاقی ارائه داده باشد. نوروزنژاد (۱۳۸۹) نیز در پایان‌نامه‌ای که با عنوان «جستاری در سینما و اخلاق اسلامی» نگاشته است، در پی الگویی برای پیام‌های اخلاقی در سینما بوده است. مساله این تحقیق چگونگی استفاده‌ی صحیح و اصولی از سینما و تلویزیون برای تبلیغ اخلاق حسنه و هنجارسازی اخلاقی در جامعه و رسیدن به دستورالعمل‌هایی علمی و تخصصی برای اشاعه اخلاق از طریق سینما به ویژه با توجه به فزونی استفاده از سینما در این جهت بعد از انقلاب اسلامی بوده است. به این منظور سه گروه از معیارها با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند: معیارهای اخلاقی، معیارهای سینمایی و تلویزیونی و معیارهای تبلیغی. نتایج این تحقیق دستورالعمل‌هایی (به نظر نویسنده) واضح و کاربردی در اختیار فیلمسازان قرار می‌دهد که در مراحل انتخاب موضوع، تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات و هدفگذاری قابل به کارگیری هستند.

دسته چهارم - پژوهش‌هایی دیگر بیشتر با نگاهی جامعه‌شناختی به مباحث اخلاقی در فیلمها پرداخته‌اند. برای نمونه جهانشاهی (۱۳۹۴) با این نگاه به این پرسش پرداخته است که فیلم‌ها زندگی روزمره را چگونه بازنمایی می‌کنند و بر کدام شرایط و جنبه‌های آن تمرکز نموده‌اند؟ (با توجه به معیارهای ارزش‌ها و روابط جنسیتی، خانواده و روابط خانوادگی، باورهای دینی و اخلاقی) چه پیامی را می‌خواهند منتقل کنند؟ و در حوزه ارزش‌ها و هنجارها کدام روایت‌های اخلاقی را تبلیغ می‌کنند. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل داده‌های شفاهی و تحلیل محتوای کیفی گفتگوهای متن استفاده شده است و از هر کدام از دو دوره مورد مطالعه چهار فیلم برمبنای پرفروش بودن، و جایزه گرفتن در جشنواره فیلم فجر، بیشترین نقداجتماعی، و ژانر اجتماعی داشتن انتخاب شده و در نهایت هشت فیلم انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است. از حیث رویکرد نظری این پژوهش بر نظریه آلبرت باندورا (نقش مهم رسانه‌های جمعی در فراگیری رفتارهای اجتماعی)، نظریه بازنمایی و رویکرد بازتاب تأکید شده است. و یا صفری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تعارضات هنجاری منجر به ریاکاری به روایت سینما» با توجه دادن به این که سینما علاوه بر بعد زیباشناختی دارای بعد اجتماعی نیز می‌باشد و روحیات جمعی و فرهنگ ملت‌ها را به نمایش می‌گذارد و ضمیر ناخودآگاه جمعی و گرایشهای روحی و روانی جوامع را منعکس می‌سازد، به تحلیل نشانه‌شناختی برخی فیلمها اقدام کرده است. فیلم‌ها با توجه به رمزگانهای اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک

و نیز تحلیل همنشینی و تحلیل جانشینی نشانه‌شناسی شده‌اند. نشانه‌های عملکردهای ریاکارانه با توجه به مدل مفهومی از ریاکاری و دیدگاه نمایشی گافمن تحلیل شده‌اند. بنابراین یافته‌های تحقیق، متعاقب هنجارهای متعارض، ریاکاری در سطح افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی قابل تشخیص است. همچنین تجربیات جامعه‌پذیری ریاکاری را برمی‌انگیزاند. در حالیکه به درستکاری و انسجام اخلاقی توصیه می‌شود، ریاکاری تعلیم و اشاعه می‌یابد. علل و انگیزه‌های کنش‌های ریاکارانه دو عامل منفعت شخصی و فشار موقعیتی همراه با عواملی چون ویژگی‌های پایدار شخصیتی، عاداتها و عوامل روانشناختی میباشند. فشار موقعیتی عاملی اجتماعی و جامعه‌شناختی می‌باشد. منفعت شخصی عاملی روان‌شناختی اجتماعی است. منفعت شخصی رفتارها و کنش‌های افراد را به طور اساسی جهت داده و هدایت می‌کند. افراد منفعت شخصی خود را با توجه به افراد دیگر، گروه‌ها، جامعه و فشار موقعیتی تعریف و تعیین می‌کنند. در پژوهشی دیگر شریعتی و شالچیان (۱۳۸۸) شش فیلم پرفروش سال‌های ۸۰-۸۵ را با روش نشانه‌شناختی مورد مطالعه قرار داده‌اند. گرچه از این روش هیچ اثری در متن مقاله دیده نشده و نویسندگان به ارایه دوگانه‌های اخلاقی و توصیف آن‌ها در روایت فیلم بسنده کرده‌اند. نویسندگان بدین نتیجه رسیده‌اند که به رغم تفاوت‌های متعدد دوگانگی‌های متضاد مشترک متعددی در این آثار یافت می‌شود. همچنین تقریباً گفتمان اخلاقی مشابهی بر همه این آثار غلبه دارد. رواداری، صداقت، شادی، روابط ناب و یک‌رنگی ارزش‌های ممدوح و تمنا شده در این آثار است. همچنین در عموم این آثار ناسازگونی میان شیوه روایت در سطح زیرین و ارزش‌های مرجع در زمینه رواداری نمود دارد و دیگری در الکن‌ترین و بی‌دفاع‌ترین شکل بازنمایی می‌شود. نویسندگان بدون ذکر پایگاهی نظری که تعمیم توصیف فیلم‌هایی معدود به اخلاق جامعه را توجیه کن به نتایج زیر درباره جامعه ایران در دهه مذکور رسیده‌اند:

الف) صداقت در محاق و ناخرسندی از دروغ، ریا و دورویی زیاد است. ب) گسترش روابط ابزاری ناخرسندگی جدی ایجاد کرده و حداقل به گونه‌ای نوستالوژیک نیاز به روابط ناب و غیر ابزاری احساس می‌شود. ج) در بخش‌هایی از جامعه رواداری اخلاقی نسبت به تنوع و تکثر مطالبه می‌شود. د) شادی مطالبه‌ای جدی است. ه) در آثار سینمایی پرفروش این دوره امر سیاسی در تقابل با امر اخلاقی قرار دارد. و اخلاق سخت‌گیرانه نسبت به روابط جنسیتی پروبلماتیک شده است. ز) از میزان رواج خیانت نارضایتی وجود دارد و وفاداری و امکان اعتماد جستجو می‌شود. ح) از فرصت طلبی، ظاهرسازی و شاعر گرایی ناخرسندی وجود دارد. لاچوردی (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق در فرهنگ ایرانیان با اتکاء بر آرای نظریه پردازان انتقادی زندگی روزمره و سینمای ایران» بر آن بوده است که در بین مکاتب متعدد آکادمیک و غیرآکادمیک جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی، مطالعات انتقادی زندگی روزمره بیش از انواع دیگر آن و مستدل‌تر و خوشبینانه‌تر از تحله‌های رایجی نظیر پست مدرنیسم قادر به شناخت و بر ملاکردن وجوه مثبت و منفی فرهنگ یک ملت است. از جمله دلایل این ادعا اتکا این نوع دانش بر رفتار عقلانی و اخلاقی است که هر دو را یکی می‌داند و برای ترویج رفتارهای اخلاقی و عقلانی به میان رشته‌ای شدن علوم انسانی اجتماعی باور دارد. از جمله این علوم که مکمل جامعه‌شناسی می‌شوند تا فهم روابط اجتماعی و به تبع آن ایجاد تغییرات مثبت فرهنگی ممکن شود، مطالعات انتقادی هنر است. مطالعات انتقادی به کمک عرصه‌های هنری می‌تواند وجوه مثبت و منفی فرهنگی را بشناسد و از این راه امکان ایجاد تغییرات مثبت را فراهم سازد. نمونه هنری برگزیده این مقاله، فیلم «کاغذ بی‌خط» از سینمای ایران است. از آن جا که از ویژگی‌های مطالعات انتقادی زندگی روزمره ایمان آن به پای گذاشتن در عرصه عمومی گفتگو و استدلال است؛ چون بر آن است که حقیقت و اخلاق اموری آشکار و عیان نیستند، بلکه باید با مناقشه و بحث بر ملا شوند. این مقاله تلاشی است برای گشودن باب بحث در مورد اخلاق در فرهنگ ایرانی. به همین منظور او فیلم کاغذ بی‌خط را به عنوان فیلمی که به زندگی روزمره می‌پردازد مطالعه انتقادی کرده است.

دسته پنجم - دسته آخر پژوهش‌ها که بیشترین ارتباط را با پژوهش حاضر دارند به جهت گیری اخلاقی متون فرهنگی از میان نظریات اخلاقی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها محدودند. برای نمونه عریضی و پاژخ (۱۳۸۹) در پی بررسی متون ادبی اخلاق‌مدار با محوریت زنان برآمده‌اند. برای دست‌یابی به این منظور محققان به تحلیل محتوای نمایش نامه عروسک خانه بر مبنای تعدادی از نظریات اخلاقی و قضاوت در مورد پاسخ‌نهایی قهرمان زن این اثر یعنی نورا بر بنیاد این نظریه‌ها پرداخته‌اند، از این رو قسمت‌هایی از نمایش نامه که بیشترین تناسب را با هدف این پژوهش داشتند برای تحلیل محتوا با توجه به محتوای این نظریات انتخاب شده است. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی نشان داده است که هر چند بین سه نظریه رشد اخلاقی کلبه‌گ، پیامدگرایی اخلاقی و اخلاق مراقبت هم بستگی وجود دارد، اما رویکرد شناختی (رشد اخلاقی کلبه‌گ) و عملگرا (پیامدگرایی) برای تبیین کافی نبوده و رویکرد مراقبت که به نقش عواطف و احساسات در موقعیت‌های اخلاقی می‌پردازد، در تفسیر موقعیت‌ها اهمیت می‌یابد. در دیگر نمونه افراسیابی (۱۳۹۳) در نوشته‌ای کوتاه که درباره نمایشنامه «مردی برای تمامی فصول» به نگارش در آورده است با مرور و ارایه خلاصه‌ای از مباحث اخلاقی وظیفه‌گرا، پیامدگرا و فضیلت‌گرا به این نمایشنامه به عنوان نمونه کاملی از اخلاق وظیفه‌گرا پرداخته و مولفه‌های اخلاقی مرتبط را از متن نمایشنامه بازشناسی و ارایه کرده است. منصوری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل محتوای پر مخاطب‌ترین فیلم‌های ژانر سینمای کودک از منظر رویکرد تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا در بازه زمانی بعد از انقلاب اسلامی ایران» به تحلیل محتوای پرفروش‌ترین فیلم‌های کودک در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی با اتکاء بر رویکرد اخلاقی فضیلت‌گرا پرداخته است. در این مطالعه، به طور کلی رأی به عدم انطباق ارزش‌های پرداخته شده در فیلم با اخلاق فضیلت‌گرا داده شده است. همچنین در تحلیل انسجام محتوایی فیلم‌ها از منظر رویکردهای

فلسفه اخلاق، به طور کلی، عدم انسجام محتوایی، حاصل مطالعه بوده است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای مضمونی - کمی و به طور موازی روش گروههای کانونی و روش مشاهده استفاده شده است.

*** همان طور که از این مختصر پیشینه مطالعاتی و دسته‌بندی پژوهش‌ها برآمد پژوهش‌هایی درباره بنیادهای اخلاقی سینمای ایران اندکند. پژوهش حاضر علاوه بر آن که با پوشش بازه زمانی چهار دهه تنها پژوهشی است که به مباحث اخلاقی در سینما در گستره زمانی اینچنینی پرداخته است؛ نوع نگاه پژوهش نیز حاوی نوعی نگاه بنیادین به مساله است. در این نگاه تنها به نمودهای بیرونی اخلاقی و کردارهای اخلاقی که حاوی اشتراک با ارزش‌های جامعه‌شناختی است به بنیادهای تصمیمات اخلاقی و گفتگوهای اخلاقی فیلم‌ها پرداخته خواهد شد. در این نوع نگاه چهار دسته از پژوهش‌های گفته شده ربط مستقیم چندانی با مساله پژوهش حاضر ندارد و تنها به طریق غیر مستقیم می‌توانند بستر پژوهش حاضر و مباحث نظری مرتبط با آن را تا حدودی فراهم آورند. دسته پنجم پژوهش‌ها که با طرح مساله مرتبطند بسیار نابسندده‌اند و (به جز یک مقاله در سطحی غیرپژوهشی، تنها یک پایان نامه درباره ژانر کودک، و یک مقاله با موضوع رمان) کاری درباره سینما انجام نشده است.

۵. چهارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش:

ادبیات پژوهش:

در این بخش با توجه به طرح مساله تحقیق به آن چه در ادبیات پژوهش و رویکرد نظری آن در تحلیل فیلم‌ها مورد استفاده خواهد بود به اجمال پرداخته شده است. این مباحث شامل نگاهی اجمالی به مباحث نظریه‌های اخلاقی، نظریه بازنمایی و رویکرد گفتمانی است.

الف- اخلاق و نظریه‌های اخلاقی

برای اخلاق تعاریف متعددی وجود داشته است. مطهری با اشاره به تعریف رایج علم اخلاق به منزله «علم زیستن یا چگونه باید زیست»، توضیح می‌دهد که اخلاق را نباید منحصر به رفتارها و افعال ظاهری دانست: «معمولاً می‌گویند اخلاق، در دو ناحیه به ما دستور چگونه زیستن را می‌دهد: یکی در ناحیه چگونه رفتار کردن و دیگر در ناحیه چگونه بودن. در حقیقت چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتار کردن مربوط می‌شود به اعمال انسان - که البته شامل گفتار هم می‌شود - که چگونه باید باشد. و چگونه بودن مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد.» البته او معتقد است این بیان مبتنی بر تفکیک میان «چیستی» و ماهیت انسان از یک سو، و رفتارها و صفات و ملکاتش از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، براساس این دیدگاه، اخلاق به نحوه زیستن انسان مربوط است و با ماهیت انسان ارتباطی ندارد؛ در حالی که «بنا بر نظریه اصالت وجود» از یک طرف، و بالقوه بودن و نامتعین بودن شخصیت انسانی انسان از طرف دیگر، و تأثیر رفتار در ساختن نوع خلق و خوی‌ها، و نقش خلق و خوی‌ها در نحوه وجود انسان که چه نحوه وجود باشد، در حقیقت اخلاق تنها علم چگونه زیستن نیست، بلکه علم «چه بودن» هم هست. (به نقل از شمالی: ۱۳۸۹)

تعریف اخلاق هر چه باشد، جهت ترسیم جغرافیای اخلاق شناسی، می‌توان آن را به چهار گروه عمده زیر تقسیم نمود:

۱- اخلاق تحلیلی یا فرااخلاق یعنی مجموعه‌ای از مباحث درباره اخلاق که جنبه مفهومی دارند. اهم این مباحث معناشناسی الفاظ و مفاهیم اخلاق، تحلیل گزاره‌های اخلاقی، معرفت شناسی اخلاقی است.

۲- اخلاق دستوری یا هنجاری، یعنی مجموعه‌ای از مباحث در اخلاق که جنبه مصداقی دارند. مهم‌ترین موضوعات این مباحث عبارتند از: الف- چه اموری خوب یا بد هستند؟ ب- آیا وظیفه مقدم بر ارزش است؟ ج- معنای زندگی چیست و چه باید باشد؟ د- آیا حقوق طبیعی وجود دارند؟ ه- در اوضاع و احوال خاص چه باید کرد یا نباید کرد؟ (اخلاق کاربردی)

۳- اخلاق توصیفی، یعنی مجموعه‌ای از مباحث در این باب که چه قواعد اخلاقی عملاً در جامعه‌ای خاص یا در میان همه انسانها رایج و مشترک‌اند؟

۴- علم النفس اخلاقی، یعنی مجموعه‌ای از مباحث فلسفی، و احياناً تجربی، ناظر به امور نفسانی و روانی‌ای که آدمی در مقام فاعل یا داور اخلاقی با آن‌ها سرو کار دارد. (ملکیان، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۶)

به هر حال، گرچه در به کارگیری اصطلاحات تا آنجا که از وضوح، انسجام و سازگاری برخوردار باشند، چندان نمی‌توان مناقشه کرد، می‌توان جمع‌بندی کرد که مطالعات اخلاقی گاهی جنبه تجربی و نقلی دارد که از آن با عنوان اخلاق توصیفی یاد می‌شود و گاهی جنبه عقلی و استدلالی دارد که در آن با عنوان فلسفه (مربوط به) اخلاق یا اخلاق فلسفی یاد می‌شود. این مسئله، خود شامل اخلاق هنجاری و فرااخلاق می‌شود. معمولاً هنگامی که از مکاتب اخلاقی یا نظریه‌های اخلاق سخن به میان می‌آید، به ویژه آنجا که درباره تأثیر این مکاتب یا نظریه‌ها در شاخه‌های مختلف اخلاق کاربردی بحث می‌شود، مراد، مکاتب یا نظریه‌های مربوط به اخلاق هنجاری است. سه نوع رویکرد اصلی در میان فیلسوفان اخلاق درباره تعیین هنجارهای اخلاقی - و یا به عبارت روشن‌تر اینکه چگونه امری خوب یا بد یا وظیفه اخلاقی می‌شود - وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

نتیجه‌گرایی: در نظریات نتیجه‌گرایانه، کیفیت یا ارزش اخلاقی اعمال، اشخاص و منشیها، وابسته به ارزش غیراخلاقی نسبی آن چیزی است که به وجود می‌آورند و یا به دنبال ایجادش هستند (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵) نتیجه‌گرا، چیز درست، الزامی و اخلاق خوب را بر چیزی بنا می‌نهد که از نظر غیر اخلاقی خوب است؛ پس برای تعیین خوبی یک عمل (ارزش اخلاقی آن باید بدانیم چه نتیجه‌ای در پی دارد و آیا نتیجه آن نیز خیر (ارزش غیراخلاقی) است. نتیجه‌گرا به این دلیل ارزش اخلاقی چیزی را بر ارزش غیراخلاقی نتایج آن چیز بنا می‌نهد که از «دور» می‌گریزد. زیرا ابتدائی کیفیت یا ارزش اخلاقی چیزی بر ارزش اخلاقی نتیجه‌اش دور است؛ در نتیجه در نظریات نتیجه‌انگازانه، ارزش اخلاقی چیزی، مبتنی بر چیزی است که از لحاظ غیراخلاقی خوب است (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵). نتیجه‌گرایی وصف آن دسته از نظریات اخلاقی است که بنابر آنها، نتایج هر عمل تعیین‌کننده درستی و اعتبار هر حکم اخلاقی درباره آن عمل است. با این حساب، عملی اخلاق درست است که نتایج خوب به بار آورد؛ از اینرو در نتیجه‌گرایی، توجه به نتیجه و پیامد عمل بر خود عمل رحجان دارد و در هر عمل، یک ویژگی مصحح اساسی و نهایی در کار است: ارزش غیر اخلاقی نسبی پیامد آن (همان، ۴۶)

نتیجه‌گرایان توصیفات گوناگونی از آن داشته‌اند. مهم‌ترین رویکردها به نتیجه‌گرایی مربوط به فیلیپ پتیت، درک پارفیت، پیتر ریلتون، جان راولز و آمارتیا سین، هستند. همچنین نتیجه‌گرایی، به دو شاخه نتیجه‌گرایی عمل‌نگر و نتیجه‌گرایی قاعده‌نگر نیز تقسیم می‌شود. نتیجه‌گرایی عمل‌نگر

و نتیجه گرایی قاعده نگر، در اینکه اعمال را باید براساس نتایج و پیامدهای آنها ارزیابی کرد، توافق دارند؛ اما در اینکه معیار اصلی ارزیابی چه می تواند باشد، اختلاف دارند. بر اساس نتیجه گرایی عمل نگر، دآوری و ارزیابی شخص فاعل یا قضاوت خود فرد، ملاک تعیین کننده درستی یا نادرستی عمل است. اما بر اساس نتیجه گرایی قاعده نگر، این اصول و قواعد کلی هستند که تعیین می کنند که انجام دادن کدام عمل، درست است. از جمله نتیجه گرایان عمل نگر می توان به جرمی بنتام و جی. جی. سی. اسمارت و از جمله نتیجه گرایان قاعده نگر می توان به ریچارد بی. برنت اشاره کرد. (موحدی: ۱۳۸۹، ۱۵۷-۱۶۵)

همان طور که گفته شد بر اساس این رویکرد، کاری خوب است که نتیجه خوب داشته باشد. مراد از خوب اول، خوب اخلاقی است و مراد از خوب دوم، خوب غیراخلاقی است؛ در غیر این صورت، دور و تسلسل لازم می آید. دیدگاه های غایت گرایی خوب اخلاقی و به تبع آن درست اخلاقی یا وظیفه اخلاقی را بنا بر پیامدها و نتایج واقعی افعال اخلاقی تعیین می کنند. برای مثال، کاری از نظر اخلاقی خوب است که نتیجه آن تعالی روحی و معنوی یا رفاه مادی یا آرامش یا امنیت و مانند اینها باشد. تعالی روحی و معنوی، رفاه مادی، آرامش، امنیت و موارد مشابه، اموری هستند که می توان بود و نبود آنها را به طور عینی با رجوع به واقعیت خارجی و بدون به کارگیری مفاهیم اخلاقی همچون خوب و بد یا درست و نادرست یا باید و نباید و تکلیف تشخیص داد. بنا بر این دیدگاه های غایت گرایی به اعتبارات مختلف قابل تفکیک اند: براساس غایت مطلوب که اجمالاً به آن اشاره شد و بر اساس اینکه غایت مورد نظر یا خیری که از انجام کار اخلاقی به وجود می آید، برای چه کسی باید حاصل شود. به عبارت دیگر، دیدگاه های غایت گرایی براساس پاسخ به این پرسش تفاوت پیدا می کنند که منافع و مصالح چه کسی را باید در محاسبه خوبی یا بدی پیامدها و نتایج فعل در نظر گرفت؟

شمالی (۱۳۸۹) پاسخ هایی که به این سوال داده شده است را در سه دسته دیدگاه های خودگروی^۴، دگرگروی^۵، همه گروی^۶ خلاصه کرده است.

وظیفه گرایی: در اخلاق هنجاری، نظریات وظیفه گرایی در مقابل نظریات نتیجه گرایی قرار می گیرند. در حالی که نتیجه گرایی، اعمال درست را براساس نتایج خیر مشخص و معین می کند، وظیفه گرایی مدعی است که اگر چه نمی توان از نتایج و پیامدهای اعمال صرف- نظر کرد. اما ویژگی های مهم دیگری نیز وجود دارند که تعیین کننده درستی و نادرستی اعمال می باشند. در وظیفه گرایی، ملاک سنجش افعال اخلاقی، وظیفه است. حقانیت افعال اخلاقی ناشی از یک الزام است؛ الزامی که در خود عمل نهفته است؛ در نتیجه، درستی و نادرستی افعال، برآمده از ذات خود فعل است، یعنی فعل خوب ذاتاً مستحق تحسین است و نه به موجب ایجاد نتایج خوب.

میان اخلاق وظیفه گرایی و نتیجه گرایی یک تفاوت بنیادی وجود دارد: مطابق اخلاق وظیفه گرایی، ماهیت عمل به خودی خود تعیین کننده وضعیت اخلاقی (درستی و نادرستی عمل) است؛ اگر نتیجه گرایی ما را به ملاحظه نتایج عمل توصیه می کند، اخلاق وظیفه گرایی ما را به مشاهده خود عمل توصیه می کند. از سوی دیگر می توان گفت که وظیفه گرایی مرتبط است با کشف اعمال درستی که شخص باید به منظور فراهم آوردن و ایجاد «خیر و خوبی» انجام دهد. در حالی که نتیجه گرایی در درجه اول به تحلیل معنای «خیر و خوبی» می پردازد و سپس بیان می کند که یک عمل درست، عملی است که «خیر و خوبی» به بار آورد و منتهی به نتایج خوب شود. به عبارت دیگر، ایجاد خیر و خوبی در وظیفه گرایی، مؤخر از نفس انجام گرفتن خود عمل به خاطر عمل است و اهمیت چندان ندارد، ولی در نتیجه گرایی، ایجاد خیر و خوبی هدفی است که عمل به خاطر آن انجام می شود و مقدم بر انجام عمل است. نظریات وظیفه گرایی، در کل، حائز چند ویژگی می باشند:

۱- در میان نظریات اخلاقی، به نحو کاملاً واضح و مهمی تعیین کننده وظایف و الزاماتی خاص نسبت به دیگران می باشند، نظیر وظایف در خانواده. ۲- در این گونه نظریات، رفتار اخلاقی درست براساس وظیفه معین می شود و رفتاری که خیر را به حد اعلی می رساند، لزوم رفتاری اخلاق درست قلمداد نمی شود.

۳- ارزش های اخلاقی بنیادی، نظیر خیر آن گونه که نتیجه گرایان معتقدند، قابل افزایش نیستند. به عبارت دیگر، درستی و نادرستی، خیر و شر، باید و نباید و وظیفه ملاکی مطلق برای تعیین اخلاقی بودن اعمال هستند و نمی توان آنها را افزایش یا کاهش داد.

۴- وظیفه گرایان معتقدند که «درست»، به تعبیر راولز، مقدم بر «خوب» است (Darwall به نقل از موحدی: ۱۳۸۹) داروال به طبقه بندی بعضی از عمده ترین وظایف می پردازد:

۱- وظایف ناظر به نیکوکاری و ضرر نرسانیدن

۲- وظایف ناظر به مراقبت های خاص

^۴ بر اساس این دیدگاه کاری خوب است که نتیجه یا نتایج خوبی برای فاعل یا انجام دهنده کار داشته باشد. برای تشریح بیشتر نک. شمالی (۱۳۸۶): پایه های اخلاق: سرشت، نیاز و افعال اختیاری.

^۵ براساس این دیدگاه، کاری خوب است که نتیجه یا نتایج خوبی برای دیگران داشته باشد.

^۶ براساس این دیدگاه کاری خوب است که برای همه انسان ها (یا برای همه موجودات عاقل یا همه موجودات دارای درک یا همه موجودات جان دار و یا همه موجودات) نتیجه خوب داشته باشد.

- ۳- وظایف ناظر به صداقت و وفاداری
- ۴- وظایف ناشی از رفتار گذشته فاعلان و مخاطبان
- ۵- وظایف ناظر به همکاری متقابل و بازی منصفانه
- ۶- سایر وظایف ناظر به عدالت
- ۷- وظایف ما نسبت به سایر گونه های زنده(همان)

جیمز فیزر^۷، نظریات وظیفه گرایانه را به چهار دسته رویکرد اصلی تقسیم می کند. بر اساس تقسیم بندی او مهم ترین رویکردها به وظیفه گرایی مربوط به ساموئل پوفندورف، نظریه حقوق مانند جان لاک و تامس جفرسون، نظرات امانوئل کانت و دلبیو.دی. راس هستند(همان). وظیفه گرایی، مانند نتیجه گرایی، به دو شاخه وظیفه گرایی عمل نگر و وظیفه گرایی قاعده نگر تقسیم می شود. در اکثر متون و مباحث اگر از وظیفه گرایی به طور عام سخنی گفته می شود، عمدتاً وظیفه گرایی قاعده نگر مراد است و حاکی از این می باشد که اگر وظیفه را همواره قاعده ای مشخص و تعیین کند، ارجح است از اینکه افراد بدون هیچ قواعد و مقرراتی به وظایفی که تشخیص می دهند، عمل کنند و باعث به وجود آمدن تعارض میان وظایف شوند. از جمله وظیفه گرایان عمل نگر می توان به ریچارد پرایس و ایچ. آی. پریچارد و از جمله نظریات وظیفه گرایانه قاعده نگر میتوان به نظریه امر الهی، نظریه اخلاقی کانت و نظریه اخلاقی دلبیو. دی. راس اشاره کرد.(موحدی، ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۷۲).

افراد با استفاده از همین دو رویکرد وظیفه گرایی و پیامدگرایی که وصف آن گذشت مباحث و کردارهای اخلاقی افراد را توضیح می دهند. آنان معتقدند با توجه به دو نظریه نتیجه گرا و غیر نتیجه گرا می توان گفت برخی از مردم به هنگام مواجهه با یک تصمیم اخلاقی تقریباً راه میانه را اختیار می کنند و با سبک و سنگین کردن مزایا و معایب هر یک از این دو نظریه راه میانی را که حد فاصل این دو قطب متضاد است انتخاب می کنند(هوسمن، ۱۳۸۸: ۲۵) اما در میان نظریات اخلاق هنجاری دسته سومی نیز وجود دارد. به اعتقاد ملکیان(۱۳۹۶) حضور این دسته سوم تقسیم بندی نظریات اخلاقی را به یک حصر عقلی تبدیل می کند.

فضیلت گرایی: گرچه در بخش عمده ای از قرن بیستم، در حوزه اخلاق هنجاری رقیب جدی برای غایت گرایی و وظیفه گرایی وجود نداشت، اخیراً گرایش جدید با عنوان اخلاق مبتنی بر فضیلت توسط اشخاصی همچون آلسدیر مک اینتایر مطرح شده است که به تدریج بر اهمیت آن افزوده می شود. بر اساس این دیدگاه که در واقع طرح مجدد دیدگاه ارسطویی درباره اخلاق است، آنچه اولاً و بالذات اهمیت دارد، فضایل اخلاقی (در مقابل رذایل اخلاقی) است و هر فعلی که متناسب با فضیلتی اخلاقی باشد و یا از فضیلتی اخلاقی نشأت گرفته باشد، «خوب» تلقی می شود(شمالی: ۱۳۸۹).

فضیلت گرایی در اخلاق نگرشی به اخلاق است که دارای تفاسیر متعددی است. این نگرش، با همه تفاسیرش خود را رقیب غایت گرایی و وظیفه گرایی می داند و بر مفاهیمی محوری مانند «فضیلت» و «منش» تأکید دارد. برداشت عصر جدید از اخلاق این است که اخلاق از رفتارهای درست و نادرست سخن می گوید، اما اخلاق فضیلت، این نگرش را تغییر داد و پرسش اصلی اخلاق را زندگی خوب و چگونه بودن قرار داده است. همچنین به جای بحث از قواعد، بر مفهوم منش و فضیلت تأکید دارد. تأکید بر منش، رشد و عواطف این اجازه را به اخلاق فضیلت می دهد تا تفسیری از روان شناسی اخلاق، که فاقد وظیفه گرایی و غایت گرایی باشد، ارائه کند. این گروه معتقدند، اخلاق فضیلت می تواند مفاهیم «وظیفه» و «الزام» را در حمایت از مفاهیم غنی فضیلتی کنار گذارد. از نظر آنان، احکام فضیلتی احکامی از یک زندگی کامل انسانی هستند تا این که احکامی از یک عمل منفک و بریده از وضعیت امور و از عامل اخلاقی باشد(دبیری: ۱۳۸۹).

با وجود تفاسیر مختلف از فضیلت گرایی می توان برای اخلاق فضیلت شاخصه ها و ویژگی هایی را به طور عام بیان کرد که موجب تمایز این رویکرد از نگرش های رقیبی نظیر وظیفه گرایی، سودگرایی و قراردادگرایی گردد:

- ۱- در صورتی رفتاری درست و از نظر اخلاقی پسندیده است که از منش فضیلت مند فاعل اخلاقی ناشی شده باشد.
- ۲- «خوب» مقدم بر «باید» و «صواب» است.
- ۳- اخلاق فضیلت برای اموری که در پس رفتارهای اخلاقی نهفته اند، اهمیت اساسی و بنیادین قایل می شود. در این خصوص، می توان از انگیزه ها، احساسات و اندیشه هایی که در پس اعمال قرار دارند نیز سؤال کرد. در این نظریه، در واقع اهمیت اصلی نیز به این امور داده شده است، نه اموری که شکل خارجی عمل را تعیین می سازند. این مسئله، موجب گسترش فضای اخلاقی و عدم محدودیت آن به حوزه رفتار خارجی می گردد.
- ۴- از شاخصه های فضیلت گرایی اخلاقی را تأکید بر اسوه ها و الگوهای اخلاقی است.
- ۵- بر عینی بودن فضایل اخلاقی در نظریه فضیلت گرایی تأکید می شود و اغلب فضیلت گرایان اخلاقی، به عینیت فضایل اخلاقی اعتقاد دارند(همان)

از مهمترین تفاسیر فضیلت گرایی می توان به رویکرد سعادت گرایی متأثر از تفکرات اخلاقی فلاسفه یونان، تفاسیر فاعل مبنا از اخلاق فضیلت (اندیشمندانی همچون مایکل اسلت، فرانسیس هاتچسون)، اخلاق مراقبت (از ناحیه نویسندگان فمینیستی) اشاره کرد.

اصول نظام اخلاقی اسلام

هر نظام اخلاقی بر پیش فرض های «معرفت شناختی»، «هستی شناختی»، «انسان شناختی» و «ارزش شناختی» خاصی مبتنی است. نظام اخلاقی اسلام نیز که بر توحید بنا شده است، دیدگاه خاص خود را دارد. در این بخش ساختار کلی نظام اخلاقی اسلام ارایه شده است.

دیدگاه هنجاری اخلاق اسلامی: با نگاهی به متون دینی در می یابیم از میان نظریه های هنجاری گفته شده نظریه غایت گرایی در تقریر سعادت گرایی آن تطبیق بیشتری با آموزه های اخلاق اسلامی دارد. شمار بسیاری از عالمان علم اخلاق همچون ابن مسکویه، فارابی، خواجه نصیر، ملا مهدی نراقی و ... بر نظام فضیلت محوری در اخلاق اسلامی تاکید می کنند. اما مراجعه به آیات و روایت نشان می دهد هر چند در آن ها فضایل بسیاری همچون حق، عدالت و اعتدال، صلح، همزیستی، شجاعت، تواضع، تقوا و صدق سخن رانده شده و از رداییلی همچون نخوت، دروغ، بخل، خیانت و ... خن رانده شده و مورد نکوهش قرار گرفته است اما این فضایل با توجه به آثار مورد توجه قرار گرفته اند. بنابراین، هرچند که در اخلاق اسلامی بر اهمیت فضیلت و لزوم تلاش در جهت کسب آن تأکید فراوان شده است، اما نمی توان آن را یک مکتب فضیلت گرای صرف قلمداد کرد. در اخلاق اسلامی از انجام افعال اخلاقی و نیز کسب فضایل به دنبال غایات هستیم. بنابراین، اخلاق اسلامی غایتمند و هدفمند است. در متون دینی اسلام در مقام تشویق و دعوت به انجام کارهای خیر، بر این نکته تأکید شده است که این کارها موجب سعادت، آسایش، فلاح، فوز، و مانند آن است (ازجمله احزاب: ۷۱، اعلی: ۱۴، انفال: ۴۵، هود: ۱۰۸).

باید توجه داشت که غایت انگاری با توجه به متعلق غایت دارای انواعی از قبیل خودگرایی و دیگرگرایی است. نظام اخلاقی اسلام، از جهتی خودگراست؛ یعنی هدف و غایت در اخلاق اسلامی، رسیدن شخص عامل به کمال مطلوب و سعادت است. آنچه در آیات قرآن به عنوان غایت نهایی و مطلوب بالذات بیان شده، تنها فوز و فلاح خود فاعل است نه دیگران. قرآن کریم از ما می خواهد که کار نیک انجام دهیم تا خودمان رستگار شویم و هرگز از کسی نمی خواهد کاری را انجام دهد تا دیگران رستگار شوند. و اگر کسی از ما بخواهد که در جهت هدایت دیگران گام برداریم، برای آن است که این کار خود ما را به سعادت نزدیک تر می کند.

نکته دیگر این که نظام اخلاقی اسلام مزایای سودگرایی را نیز در خود دارد. از آنجاکه راه رسیدن به هدف غایی اخلاق پروراندن میل ها و گرایش های متعالی مانند صداقت، نوع دوستی، امانت داری، وفای به عهد و ... است، اخلاق اسلامی در مواجهه با دیگران و حرکت در مسیر مصالح دیگران، مزایای مکاتب سودگرایی (در توجه به مصالح عمومی و تلاش برای محرومیت زدایی و مانند آن) را نیز دربردارد و در عین حال، از آسیب های آن در امان است.

از دیدگاه اسلامی، آنچه به سود شخص است در تعارض با آنچه به نفع و سود همه اشخاص دیگر است قرار ندارد. توضیح آنکه اگر انسان را دارای حیاتی جاودان دانسته و به منافع برتر او نظر داشته باشیم، ترغیب دیگران به دستیابی به این منابع برتر، توصیه به کردار خودخواهانه در زندگی دنیوی نیست؛ بلکه از آنجاکه منافع برتر جاودان در اثر گذشت ها و ایثارها و فداکاری های انسان در این حیات دنیوی به دست می آید، بنابراین، یک فرد خودگرا در عمل به همه رفتارهای دیگر خواهانه توصیه خواهد کرد و هیچ تراحمی میان منافع اخروی او با منافع دنیوی یا اخروی دیگران و یا بالعکس، نیست؛ زیرا تراحم تنها میان منافع دنیوی فرد با منافع دنیوی دیگران است (شیروانی، ۱۳۸۲: ۱۵). بنابراین، در این نظام اخلاقی، «خودگرایی» با «دیگرگرایی» آمیخته است.

و نکته آخر این که در نظام اخلاقی اسلام، بر وظایف و تکالیف نیز تأکید شده است. اما این بدین معنا نیست که وظیفه گرای صرف باشد. مقصود این است که چون نظام اخلاقی اسلام بر انسان شناسی خاصی استوار است و محدوده وسیعی برای حیات و کمالات انسانی قایل است، منفعی که به آنها نظر دارد، کمال و سعادت اخروی انسان است که در پرتو قرب الهی به دست می آید. این غایت، یعنی کمال نهایی انسانی، تنها با انجام اعمالی که متناسب و ملایم با نفس متعالی و کمال نهایی انسان است تحقق می یابد.

عوامل تعیین کننده ارزش اخلاقی اعمال در اسلام: در نظام اخلاقی اسلام ارزش ها دارای مراتب مختلفی هستند که به میزان خلوص نیت و آثار آن متفاوتند. بنابراین، اسلام برای ارزش ها مراحل را قایل است. دسترسی به بعضی از مراحل برای عموم انسان ها میسر است، اما رسیدن به مراحل بالا و بالاتر برای همه انسان ها میسر نیست؛ همان گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی فرمودند: «عبادت کنندگان

سه گروهند: گروهی که خدای عزوجل را از سر ترس عبادت کردند که آن، عبادت بندگان است. و گروهی که خدای تبارک و تعالی را برای ثواب عبادت نمودند که آن، عبادت مزدبگیران است. و گروهی که خدای عزوجل را به جهت محبت و دوستی او عبادت کردند که آن، عبادت آزادگان است و این برترین عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۰: ۲۳۶)

دو بخش اول برای عموم مردم میسر است، اما بخش سوم برای خواص خواهد بود.

هدف اخلاق، کمال اخلاقی انسان است. برای آنکه صفت و یا عملی دارای ارزش آن مرتبه از کمال اخلاقی باشد، باید واجد دو شرط باشد: اولاً، می باید با تأمین کمال اختیاری اخلاقی موردنظر متناسب باشد. و ثانیاً، نیت نهایی فاعل از انجام عمل، تأمین و وصول به آن کمال اخلاقی باشد. به عبارت دیگر، ارزش اخلاقی تابع دو عامل است: یکی، نوع صفت و رفتار و دیگری، متعلق نهایی نیت و یا به عبارت دیگر، هدف غایی فاعل از انجام عمل.

بر مبنای این ملاک، ارزش هر رفتار اختیاری از جهت نوع کار وابسته به این است که آن رفتار تا چه اندازه می تواند فاعل را در رسیدن به هدف غایی یاری کند و کمال وجودی اش را افزایش دهد. بنابراین، ضدارزش ترین رفتارهای اختیاری از جهت نوع عمل، رفتارهایی هستند که نه تنها فاعل اخلاقی را به هدف غایی و حقیقی انسان نمی رسانند، بلکه به طور معکوس او را هرچه بیشتر از آن هدف دور می سازند و در جهت مقابل با خیر و کمال حقیقی هستند. برای مثال، توکل بر خدا، تواضع در برابر او و شرک نورزیدن به او، و کمک به بندگان خدا و هدایت آنها به راه درست زندگی، موجب نایل آمدن به بالاترین درجه قرب اختیاری فاعل اخلاقی به خدا هستند و بعکس، اعراض از خدا، تکبر در برابر او و شرک ورزیدن به او و نیز بی اعتنایی به خیر دیگران و گمراه کردن آنها، از مصادیق ضدارزش ترین رفتارها هستند.

نیت ها (اراده ها) و انگیزه ها نیروهای درونی و اختیاری اند و ما را به سوی همان چیزی سوق می دهند که نیت وصول به آن را داریم. سمت وسو و مقدار ارزش اعمال ما در رفتارهای اختیاری مان تابع انگیزه ها و نیت های ماست. با انجام کارهای متناسب با هدف می توانیم به همان مرتبه ای از هدف دست یابیم که نیت ها و انگیزه هایمان آن را تعیین می کند و آن را هدف غایی فاعل می نامیم.

برای دستیابی به هدف غایی اخلاق (مقام قرب الهی)، علاوه بر انتخاب اعمال مناسب با این هدف، تنها وصول به این مرتبه را بخواهیم. نیت اهداف دیگر اگر از نظر فاعل اهداف مستقلی باشند و در جهت این هدف نهایی نباشند، او را در دستیابی کامل به این هدف نهایی بازمی دارند. بنابراین، بالارزش ترین رفتارها از جهت نیت آن است که مقصود نهایی فاعل از انجام دادن آن تنها قرب به خدا و لوازم آن یعنی بندگی و اطاعت از خدا و محبت و رضایت او باشد و چنین نیتی را «نیت خالص تقرب» می نامند. این انگیزه و نیت خالص و فعل صادر از آن را «خلاص» می نامند.

بنابراین، ارزش هر رفتار اختیاری از جهت نیت وابسته به این است که نیت فاعل در انجام دادن آن رفتار تا چه اندازه به نیت خالص تقرب نزدیک است. به همین جهت، کسی که اموری مانند انفاق، ایثار، تعلیم و تعلم و... را برای کسب شهرت و احترام نزد دیگران یا تأمین لذایذ شهوانی یا آسایش دنیوی یا منابع دنیوی و مانند آن انجام می دهد، تنها می تواند به همین نتایج دست یابد؛ ولی چنانچه همراه با این نیت ها، نیت تقرب به خداوند نیز داشته باشد، ارزش کار او به برآیند نیت های او بستگی خواهد داشت و چه بسا چنین کارهایی به جهت انگیزه نادرست، بی ارزش یا حتی ضدارزش محسوب شوند و برای فاعل نتیجه نامطلوب داشته باشند (مصباح، ۱۳۷۶: ۲۶۶-۲۶۸) بنابراین، می توان گفت: هر اندازه که نیت انجام کار خالص تر باشد و هدف از آن تنها اطاعت خدا و اظهار کامل بندگی و وابستگی و نیاز به درگاه احدیث باشد، آن کار ارزشمندتر است و در مقابل، هر قدر که نیت و قصد از انجام کاری، سرکشی و دشمنی و مقابله با خدای متعال باشد، آن کار ناشایست تر است. به همین دلیل است که ارزش یک ضربت امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ خندق از عبادت جن و انس بیشتر است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۹)

از میان این دو عاملی که ارزش رفتارها تابع آنهاست، نیت نقش مهم تری را دارد؛ زیرا نیت انگیزه نفس برای انجام فعل اختیاری است. بنابراین، اگر نباشد، فعل اختیاری محقق نخواهد شد. بر اساس آیات و روایات و آنچه از تحلیل های عقلی ذکر شد، روح عمل همان نیت است. از این روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «به راستی (ارزش) کارها به نیت هاست و برای انسان است آنچه نیت کرده است» (همان، ج ۶۷: ۲۱۰)

واقع گرایی اخلاق اسلامی: گزاره های اخلاقی در نظام اخلاقی اسلام قضایایی صادق و مطابق با واقع و واقعی هستند، نه اعتباری و قراردادی و نظایر آن. افعال و صفاتی که در این نظام خوب و بایسته تلقی می شوند - مثلاً عدالت - یک مابه ازای خارجی دارند، هر چند که آن مابه ازای را نمی بینیم. بوییدنی، شنیدنی نیست؛ زیرا تعقلی است و عقل وجود آن واقعیت را درک می کند. مفاهیم ارزشی همانند مفهوم «خوب»،

«بد»، «باید»، «نباید» مفاهیمی حقیقی و خارجی اند، البته نه به صورت مفاهیم ماهوی که دارای مابه ازای عینی و مستقل باشند، بلکه از قبیل مفاهیم فلسفی که منشأ انتزاع خارجی و واقعی هستند و در خارج به وجود منشأ انتزاعشان موجودند (مصباح، ۱۳۷۶: ۸۰-۸۱)

در نظام اخلاقی اسلام، مفاهیم اخلاقی هنگامی که در گزاره های اخلاقی و ارزشی به کار برده می شوند، مبین رابطه علیت و ضرورت بالقیاس میان فعل و نتیجه و هدف موردنظر فاعل می باشند؛ یعنی هنگامی که رابطه افعال اختیاری انسان را با آثار مترتب بر آنها می سنجیم، میان آنها رابطه ضرورت بالقیاس می یابیم. مثلاً، اگر کمال مطلوب انسان وصول به قرب الهی است و از طرفی، توسط عقل یا وحی فهمیدیم که تحقق این هدف بدون انجام افعال اختیاری خاصی امکان پذیر نیست، در آن صورت، گفته می شود میان هدف و انجام افعال خاص از جانب ما رابطه ضرورت بالقیاس برقرار است. این ضرورت را در گزاره های اخلاقی با واژه های «باید» و «خوب» و «شایسته» و نظایر آن نشان می دهیم. برای مثال، وقتی می گوئیم: «باید راست گفت»، به این معناست که «راست گفتن برای رسیدن به کمال مطلوب ضرورت دارد» و وقتی می گوئیم: «نباید دروغ گفت»، بدین معناست که «دروغ نگفتن برای رسیدن به کمال مطرب ضرورت دارد». بنابراین، این مفاهیم نشانه عواطف و احساسات گوینده و یا قرارداد و اعتبار محض و اموری از این قبیل که منشأ خارجی و واقعی ندارند نیستند، بلکه از رابطه علیت و معلولیتی که میان فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب او برقرار است انتزاع می شوند (همان)

بنابراین، اوصاف اخلاقی، اوصاف حقیقی افعال اختیاری انسان، ملکات نفسانی و یا نتایج آنهاست. احکام و گزاره های اخلاقی در واقع، گزاره هایی خبری هستند که کاشف از واقعیتی نفس الامری اند. معیار صدق و کذب این قضایا، تأثیر و عدم تأثیر آنها در رسیدن به اهداف مطلوب است؛ یعنی چنانچه میان فعل اختیاری ما و هدف مطلوب (کمال) رابطه ای مثبت برقرار باشد و آن فعل موجب تحصیل کمال و رشد شود در این صورت، متصف به صفت «خوب»، «پسندیده» و «بایسته» و امثال آن می شود و بعکس، چنانچه این عمل منشأ نقص در وجود ما شود و ما را از دستیابی به کمال مطلوب بازدارد در آن صورت، متصف به صفاتی از قبیل «بد»، «ناپسند» و «نبایسته» می شود. و چنانچه هیچ گونه رابطه ای اعم از مثبت و منفی میان افعال اختیاری و کمال مطلوب انسان برقرار نباشد، این فعل فاقد ارزش اخلاقی یا دارای ارزش اخلاقی خنثاست (همان: ۱۱۰-۱۱۲)

اطلاق و کلیت اخلاق اسلامی: ساختار وجودی انسان ها یکسان است. همه انسان ها دارای طبیعتی مشترک و فطرتی یکسان هستند. به علاوه، ساختار عقلانی و قوه ادراکی انسان ها نیز یکسان است. و اگر عقل حکم به حسن و قبح برخی اعمال می کند، بدین معناست که حسن و قبح، ذاتی آن اعمال و افعال می باشد و عقل آن را با بدهات عقلی و یا فعالیت عقلانی به دست آورده است. از آنجاکه ساختار عقل در همه انسان ها مشترک و یکسان است، بنابراین، همه عقول بشری فارغ از زمان و مکان و نژاد می توانند حسن و قبح برخی اعمال و صفات را با بدهات عقلی یا فعالیت و عملیات عقلانی و استدلال عقلی درک کنند. برای مثال، همه انسان ها فارغ از زمان و مکان و نژاد و یا اعتقادات مذهبی و فارغ از اینکه خدا را پذیرفته باشند یا نه، اقرار به حسن عدل و قبح ظلم دارند. همچنین از آنجاکه فطرت انسان ها یکسان است؛ بر این اساس، تأثیر عمل یا صفت واحد در زمینه روحی همه انسان ها یکسان است؛ یعنی چنین نیست که تأثیر یک صفت و یا عملی اخلاقی در شرایط یکسان بر روی یک فرد مثبت و بر روی فرد دیگر منفی باشد؛ بلکه اگر عملی برای یکی از انسان ها تأثیر مثبت داشته باشد و یا صفتی برای یکی از انسان ها فضیلت و کمال باشد، برای همه انسان ها آن عمل دارای تأثیر مثبت خواهد بود و یا آن صفت فضیلت و کمال به حساب می آید؛ زیرا کمال انسان عبارت است از رشد استعدادهای فطری انسان در جهت قرب الهی. بنابراین، ارزش های اخلاقی که ریشه در فطرت انسان دارند، از آنجاکه فطرت در همه انسان ها مشترک است، ارزش های اخلاقی نیز در مورد همه انسان ها در همه زمان ها و مکان ها یکسان است و این به معنای مطلق بودن اصول اخلاقی است. برای مثال، وقتی از شجاعت، عدالت، حقیقت جویی، نیکوکاری، پاکی و تقوا به عنوان ارزش های اخلاقی نام می بریم و یا اعمالی که برآمده از این صفات باشند، در حقیقت، نظر به عده ای معین در زمان و مکان یا جامعه ای مشخص نداریم، بلکه پسندیده بودن عدالت و فضیلت نیکوکاری و اعمالی که متناسب با این صفات هستند برای همگان و در هر زمان و در هر جامعه ای مورد تأیید است. اعتقاد به نسبی بودن اخلاق در واقع، خط بطلان کشیدن بر فطرت و عقل در اخلاق است و در نتیجه، راه توجیه و فرار از زیر بار تکلیف را برای انسان، هموار می کند.

اهداف اخلاق اسلامی: در نظام های «غایت انگار» امور گوناگونی به عنوان غایت فعل اخلاقی مطرح شده است؛ مانند: لذت، قدرت، عرفت، تحقق کمالات نفس و... . غایتی که در متون دینی ما برای فعل اخلاقی بیان داشته شده، لذت است، اما نه لذت های حسی دنیوی که ناپایدار، سطحی و آمیخته با رنج ها و آلام بسیار است، بلکه لذت های پایدار، عمیق و خالی از هرگونه رنج و سختی که این امر نیز ملازم و در گرو رسیدن به کمال درخور فرد است.

با مراجعه به آیات قرآن کریم این نکته روشن می شود که خداوند از انسان خواسته خود را در لذت های دنیوی که گذرا و همراه با آلام و رنج های فراوانی هستند محدود نسازد و به آخرت و نعمت های پایدار و عمیق نظر بیفکند. قرآن کریم انسان را نکوهش می کند که چرا زندگی دنیا را

برمی گزیند درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۶-۱۷)؛ لیکن شما زندگی دنیا را برمی گزینید با آنکه آخرت نیکوتر و پایدارتر است.

همچنین انواع لذایذ و نعمت های بهشتیان را بیان می کند و تأکید می کند که این نعمت ها و لذایذ برتر و پایدارتر از لذایذ دنیا هستند و رنج و سختی نیز به همراه ندارند: «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف: ۷۱)؛ در آن بهشت است هرچه دل ها بخواهند و چشم ها از آن لذت ببرند و در آن جاودانه به سر می برید.

در مقام تشویق و ترغیب انسان به ایمان و عمل صالح و انجام کارهای اخلاقی، تأکید عمده بر روی خوشی ها و لذت هایی است که بر آن مترتب می شود؛ لذت های بی پایان و بی انقطاع که با هیچ غم و اندوه و رنجی آمیخته نیست.

البته کسانی که به بالاترین درجات کمال دست یافته اند، افزون بر لذت های مادی آخرت، از لذت های معنوی نیز برخوردارند که برتر از لذت های مادی آخرت هستند. این لذت که بالاترین لذت و سرور برای انسان است، لذت حاصل از انس با خدا و قرب به اوست: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲)؛ و رضایت خداوند بزرگ تر (از سایر نعمت های بهشت) است.

ازاین رو، می توان گفت که کمال نهایی در نظام اخلاقی اسلام قرب الی الله است و طبعاً بالاترین لذت ممکن برای انسان، لذتی است که از حصول کمال نهایی برای او به دست می آید.

ج- بازنمایی:

می توان گفت «به هر مرحله از تاریخ گسسته و ناپیوسته بازنمایی انگ نوعی ایمان به قابل بازنمایی بودن واقعیت خورده است. به همین علت هم هست که امروز در دوران پست مدرن از نوستالژی بازنمایی سخن به میان می آید. این نوستالژی را می توان به نوعی ایمان نسبت به ایده یک مضمون مرکزی که اثر هنری و رسانه ای به آن اشاره دارد و بر محور آن می گردد به شمار آورد. ادبیات پست مدرن می خواهد به هر نحوی که شده در برابر «نوستالژی بازنمایی» مقاومت کند، لذا گاه به راه افراط می رود و همه چیز را نوعی وانمودگری تلقی می کند؛ چنان که ژان بودریار بر آن است که در پیدایش یک ایماژ، چهار مرحله تبدیل بازنمایی به بازنمودگری اتفاق می افتد. در آغاز از این اصل کلی و کهن پیروی می کند که نشانه و واقعیت مساوی هستند؛ حتی اگر این تساوی آرمانشهری باشد. وانمودگری از همین اصل تساوی و آرمانشهری آغاز می شود؛ یعنی از انکار ریشه نشانه به عنوان یک ارزش. بازنمایی همیشه می کوشد تا به هر نحوی که شده، و بیشتر از طریق تعبیر و تفسیر بازنمودگری به عنوان بازنمایی کاذب، وانمودگری را در خود مستجیل کند.» (قره باغی: ۱۳۸۳، ۴۱)

در اندیشه های پست مدرنیستی و آن چه رولان بارت بر آن تأکید دارد، «چگونه» واجد اهمیت است نه «چه». به بیان دیگر چگونگی امور واجد اهمیت است نه آن چه در اندیشه های اومانیستی و فضل فروشان بورژوازی در پیوند با «چیستی» می گذرد. اما در گرماگرم مجادلات میان «چه» و «چگونه» آن چه مغفول می ماند «چرایی» بازنمایی و یا به تعبیری، سیاست بازنمایی است. چرا یک نوع بازنمایی در یک لحظه خاص تاریخی و در پیوند با شخص، مضمون، نژاد، جنسیت و یا طبقه خاصی پذیرفتنی است و در مواقع دیگر ممنوع شمرده می شود؟ رولان بارت همیشه بر چگونگی بازنمایی تأکید می ورزید و با این تمرکز، به نوعی متنی کردن و شکل تازه ای از سیاست اشاره داشت. ژاک دریدا هم بر این اعتقاد است که امروز در اغلب گفتمان های متافیزیکی، حقیقت یک توافق است، یک ربط و شباهت و یا تساوی است میان یک چیز معین و بازنمایی آن (همان).

تعریف بازنمایی: بازنمایی یکی از مفاهیم بنیادی در مطالعات هنری و رسانه ای است. اما با توجه به آن چه در مقدمه رویکرد نظری تحقیق گفته شد و با توجه به آن چه در پی خواهد آمد ارائه تعریف از آن وابسته به نظرگاه کسی است که از آن تعریفی ارائه می دهد. این تفاوت های نظری گاه تا حدی است که بنا کردن قدر مشترکی که تعریف از آن ارائه شود را دشوار می سازد؛ لذا ابتدای نظری متفاوت در تعریفی که در پی می آیند قابل تشخیص و گاه گریزناپذیر بوده اند.

از نظر دایر (۲۰۰۵) مفهوم بازنمایی در رسانه ها عبارت است از «ساختی که رسانه های جمعی از جنبه های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان ها، اشیا، اشخاص، هویت های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می کنند. تجلی بازنمایی ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد.» (به نقل از گیوبان و توکلی: ۱۳۹۰، ۹۰)

«بازنمایی» یکی از کارکردهای زبان است. در این چارچوب، بازنمایی به بازنمایی اندیشه ها در زبان و نیز به بازنمایی زبانی جهان تجربی اشاره دارد (ادگار و سجویک، ۱۳۸۷: ۶۵). بازنمایی، فرآیند اجتماعی مظهر چیزی بودن است. بازنمایی ها فرآورده های مظهر چیزی بودن به حساب می آیند. بنابراین این اصطلاح هم به فرآیندی دلالت دارد که در آن نشانه ها، مظهر معنای شان می شوند و هم به محصول این فرآیند اشاره می کند. به عبارتی

می‌توان گفت بازنمایی همان فرآیند اجتماعی فهم‌پذیرسازی در چارچوب همه نظام‌های دلالت‌کننده در دسترس (فیلم، نوشتار، گفتار و...) است (هارتلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۴۱).

بازنمایی در مفهوم اجتماعی معانی ظریفی دارد، در این معنا، کنش‌ها و هنجارهای بازنمایی با هم پیوند می‌خورند و مثلاً می‌توان آن را در حوزه رسانه‌های جمعی به کار برد، و تصاویری از گروه‌های اجتماعی معین به دست داد. بازنمایی در این معنا لزوماً به مفهوم بازنمایی منافع گروه بازنموده نیست. ممکن است یک گروه اجتماعی چنان بازنموده شود که تصور کنیم داریم از این گروه کلیشه‌سازی می‌کنیم. بنابراین در این بافت ممکن است بازنمایی را نوعی کژنمایی بینگاریم. این کژنمایی در عرصه و ساخت هویت صورت می‌گیرد. این نوع از طرح‌ریزی و ساخت هویت احتمالاً به شدت با مسائل مربوط به قدرت و ایدئولوژی و نیز صور گفتمانی مستتر در روند خلق این تصاویر پیوند می‌خورد. از این رو طرح‌ریزی و ساخت مفاهیم در مسائلی چون جنسیت، نژاد، یا سکسوالیته، مسائلی مربوط به بازنمایی هستند (ادگار و سجویک، ۱۳۸۷: ۶۵). یعنی می‌توان گفت «بازنمایی دربردارنده پرسش‌هایی درباره شمول و طرد است و لذا همواره با پرسش از قدرت در هم آمیخته است» (بارکر، ۱۳۸۷: ۴۷۱).

چون نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به تصویر کشید، ارزش‌های خبری، فشارهای پروپاگاندایی، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های [فنی و محتوایی] ارایه می‌دهند. براین اساس بازنمایی عنصری محوری در ارایه تعریف [از واقعیت] است (واتسون و هیل، ۲۰۰۶: ۲۴۸).

استوارت هال و نظریه بازنمایی: استوارت هال یکی از متفکران اصلی مطالعات بازنمایی است. از نظر وی بازنمایی برای عملی شدن نیازمند دو سیستم یا نظام است: نظام مفاهیم و نظام زبان. از طریق نظام مفاهیم، همه انواع اشیاء، افراد، رویدادها و پدیده‌ها به واسطه مجموعه‌ای از مفاهیم یا بازنمایی‌های ذهنی موجود در ذهن به همدیگر مرتبط می‌شوند و به ما کمک می‌کنند تا به تفسیر جهان به شیوه‌ای معناداری بپردازیم. بنابراین در درجه اول، معنا متکی به نظام مفاهیم است. نظام مفاهیم «از مفاهیم مفرد و مجزا تشکیل نیافته است بلکه این نظام براساس شیوه‌هایی از سازمان‌دهی، دسته‌بندی، طبقه‌بندی، و ترتیب شکل گرفته و روابط پیچیده‌ای در مفاهیم برقرار است». در کنار نظام مفاهیم، بازنمایی از نظام زبان نیز به طور حتم کمک می‌گیرد. «نظام زبان ایده‌ها و مفاهیم ما را با یک سری کلمات نوشتاری، صداهای گفتاری، یا تصاویر مرتبط می‌سازد» (۱۹۹۷: ۱۷).

برای هال، زبان در معنای عام آن مطرح است و طیف وسیعی مشتمل بر زبان نوشتاری، گفتاری، تصاویر بصری، زبان علائم حرکتی، زبان مد، لباس، غذا و... را در بر می‌گیرد. هال خود در این باره می‌گوید: «آنچه من به عنوان زبان مورد بحث قرار می‌دهم بر مبنای تمام نظریه‌های معناشناختی استوار است که بعد از چرخش زبانی در علوم اجتماعی و مسائل فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است» (۱۹۹۷: ۱۹). بر این اساس هال در درون زبان از سه گانه مفاهیم، اشیاء و نشانه‌ها یاد می‌کند و معتقد است مجموعه‌ای از فرآیندها، این سه مقوله را به یکدیگر مرتبط می‌کند. هال این فرآیند را بازنمایی می‌نامد و بر اساس چنین ایده‌ای معتقد است که معنا بر ساخته نظام‌های بازنمایی است.

هال بازنمایی را به همراه تولید، مصرف و هویت و مقررات، بخشی از چرخه فرهنگ می‌داند. او در ابتدا این ایده را مطرح می‌کند که بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد. هال «برای بیان چگونگی ارتباط میان بازنمایی، معنا، زبان و فرهنگ» نظریه‌های بازنمایی را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند، که عبارتند از: ۱. نظریه‌های بازتابی ۲. نظریه‌های تعمیدی ۳. نظریه‌های برساختی (۱۹۹۷: ۱۵).

در نظریه بازتابی، اعتقاد بر این است که معنا «در خود اثره، شخص، ایده، یا رویداد موجود در جهان واقعی قرار دارد و زبان مانند یک آئینه فقط به انعکاس معنای حقیقی، یعنی آنچه از قبل در جهان واقعی قرار دارد می‌پردازد» (۱۹۹۷: ۲۴). به عبارتی در این رهیافت زبان به شکل ساده‌ای منعکس‌کننده معانی اشیاء یا اشخاص در جهان واقعی است. اما در نظریه تعمیدی، «نقش تولید معنا را فقط به نویسنده، گوینده، و در کل به فرستنده می‌دهد». طبق این نظریه «این نویسنده یا گوینده است که معنای منحصر بفرد خود را از طریق زبان به جهان تحمیل می‌کند و کلمات دقیقاً همان معنایی را می‌رسانند که نویسنده یا گوینده مدنظرشان است» (همان: ۲۵) به عبارتی در نگاه تعمیدی گفته می‌شود که زبان صرفاً بیان‌کننده چیزی است که نویسنده قصد بیان آن را دارد.

اما نظریه‌های برساخت‌گرا به مشخصه‌های اجتماعی زبان احترام می‌گذارند. بر طبق این نظریه، این ما هستیم «که با استفاده از نظام بازنمایی، یعنی نظام مفاهیم و نظام زبان به برساخت معنا همت می‌گماریم» (همان). رویکرد برساختی مدعی است که معنا بوسیله زبان ساخته می‌شود. این رهیافت باور دارد که اشیاء و رویدادها به خودی خود و نیز کاربران زبان به تنهایی نمی‌توانند معنا در زبان را تثبیت کنند. زیرا اشیاء و رویدادها معنا ندارند، ما معنا را با استفاده از نظام‌های بازنمایی می‌سازیم. از این رو، به آن نظام برساخت‌گرا می‌گویند (همان). طبق این رویکرد دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است، یعنی ما به کمک زبان بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کنیم که به هیچ وجه بازتابی از یک واقعیت از پیش موجود نیستند، در حقیقت زبان در ساختن واقعیت نقش دارد. این بدان معنا نیست که واقعیتی وجود ندارد. معانی و بازنمایی‌ها اموری واقعی‌اند. پدیده‌های فیزیکی نیز وجود دارند، اما صرفاً از طریق گفتمان معنا پیدا می‌کنند (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۹).

هال معتقد است نگاه صرف نشانه‌شناختی، فرایندهای بازنمایی را صرفاً به زبان محدود می‌کند و آنرا به نظامی بسته فرو می‌کاهد که بواسطه ایستا بودن مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. اما گسترش و بسط بازنمایی در معنای متأخر آن که مبتنی بر ایده فوکو^۸ - دریدایی^۹ است، آن را به «منبعی

^۸ Micheal Foucault

برای تولید دانش اجتماعی بدل می‌کند که سیستمی باز و مرتبط با کنش‌های اجتماعی و مسئله قدرت است» (۱۹۹۷: ۴۲) این نکته اساس دیدگاه برساختی در حرکت از نشانه‌شناسی خنثی به سوی تحلیل‌های فرا متنی است.

رویکرد برساختی دارای دو رویکرد «نشانه‌شناختی» و «گفتمانی» است. در رویکرد گفتمانی، همیشه تأکید بر خاص بودن تاریخی یک شکل یا رژیم خاص بازنمایی است؛ تأکید بر زبان به عنوان یک امر عام وجود ندارد، بلکه بر بازنمایی‌های خاص یا معانی و نحوه به‌کارگیری آنها در زمان‌ها و مکان‌های خاص تأکید می‌شود (مهدیزاده، ۱۳۸۷: ۲۵).

گفتمان و بازنمایی: گفتمان شیوه خاص بازنمایی «خود» و «دیگری» است. «به عبارتی گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که زبانی را برای صحبت کردن راجع نوع خاصی از دانش درباره موضوعی تجهیز می‌کند. هنگامی که گزاره‌هایی راجع به موضوعی در گفتمانی خاص اظهار می‌شوند، این گفتمان امکان آن را فراهم می‌آورد که موضوع به نحو خاصی ساخته شود، ضمناً شیوه‌های ساخته شدن موضوع را محدود می‌کند» (هال، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۳). بنابراین قبل از هر چیز باید به خود اصطلاح گفتمان پرداخت.

توسل به لغت‌نامه‌ها و یافتن مترادف‌هایی که با نام معادل گفتمان به کار می‌روند، معنای روشنی از این واژه به دست نمی‌دهد و بر سیالیت معنای آن مهر تأیید خواهد زد. بهتر است به جای فروکاستن معنای گفتمان آن را به حیطه کلی همه احکام، مجموعه مشخصی از احکام، یا روش ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می‌دهد، تعریف کنیم (میلز، ۱۳۸۲: ۱۴). همچنین لازم است بدانیم و بتوانیم تشخیص دهیم که واژه گفتمان در چه بافتی به کار رفته است و به تبع آن چه معنایی به خود گرفته است. در وهله بعد باید آگاه بود که گفتمان‌ها نه مجموعه‌ای انتزاعی از احکام، بلکه مجموعه‌هایی از پاره‌گفتارها، جمله‌ها یا احکامی هستند که در بافتی اجتماعی وضع می‌شوند؛ با همان بافت اجتماعی تعیین می‌یابند و موجبات تداوم هستی آن بافت اجتماعی را فراهم می‌آورند. بدین ترتیب نهادها و بافت‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده مهمی در تحول، حفظ و انتشار گفتمان‌ها دارند (همان، ۱۸ و ۱۹). جنبه دیگری که در همه دیدگاه‌های گفتمان حضور دارد این است که گفتمان‌ها از لحاظ اصولی حول رویه‌های طرد یا کنارگذاری سازمان می‌یابند. در این حین آن‌چه امکان گفته شدن پیدا می‌کند بدیهی و طبیعی می‌نماید. این طبیعی بودن نتیجه چیزی است که کنار گذاشته شده است. عامل دیگر این است که «هرچه را دلالت‌مند است یا معنی دارد می‌توان بخشی از گفتمان به حساب آورد» (همان، ۲۱). این نکته بر این اصل تأکید می‌کند که گفتمان مجموعه ساده‌ای از پاره‌گفتارها یا احکام نیست، بلکه متشکل از پاره‌گفتارهایی است که واجد معنا، نیرو و تاثیر در بافتی اجتماعی‌اند. به عبارت دیگر، گفتمان چیزی است که چیز دیگری را تولید می‌کند و نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد و به صورتی جداگانه می‌توان تحلیلش کرد.

برای فهم «گفتمان» باید به ترکیب سه واژه قدرت، دانش و حقیقت توجه کرد؛ زیرا بدون این عوامل، گفتمان فاقد تاثیرگذاری اجتماعی خواهد بود. نظریه لیبرالیستی دانش، حقیقت را چیزی عینی و ابژکتیو، فارغ از ارزش و سوگیری می‌داند که با توسل به روش علمی می‌توان بدان دست یافت. اما نظریه گفتمان، ایده حقیقت را از کیفیت انتزاعی ایده‌آل و در دسترس آن جدا ساخته، آن را به چیزی انضمامی و این جهانی بدل کرد؛ حقیقت به واسطه الزام‌ها و اجبارهای گوناگون ساخته می‌شود. هر جامعه‌ای رژیم حقیقت خاص خود را دارد و آن انواع گفتمان‌هایی است که جامعه در دامن خود می‌پروراند و وای دارد که نقش حقیقت را ایفا کنند (فوکو، ۱۳۸۰). بنابراین حقیقت امری استعلائی نیست که به کمک برخی اقدامات بر ما ظاهر شود، بلکه چیزی است که به کمک گفتمان‌ها ساخته می‌شود.

بدین ترتیب این نکته هم که کدام گفتمان بازنمایی حقیقی یا درست امر واقعی است، برای فوکو چندان مهم نیست. البته فوکو وجود امر واقع را رد نمی‌کند، بلکه تأکید می‌کند که آن‌چه به نظر ما معنی‌دار می‌آید، و نیز نحوه تعبیر ما از اشیا و رخدادها، و چیدن آنها در درون نظام معنا، وابسته به ساختارهای گفتمانی است. از نظر فوکو، این ساختارهای گفتمانی همان چیزهایی‌اند که سبب می‌شوند اشیا و رخدادها در نظر ما واقعی یا مادی جلوه کنند. کانون توجه فوکو در کتاب دیرینه‌شناسی دانش رابطه بین متون و گفتمان‌ها با امر واقع، و نقش ساختارهای گفتمانی در ساخته شدن امر واقع است. برداشت غالب این است که فوکو امر واقع را به معنای واقعی کلمه تعریف نکرد، چون به باور او ما تنها به ساختارهای گفتمانی که ادراک ما را از امر واقع تعیین می‌کنند دسترسی داریم. فوکو معتقد است امر واقع از خلال فشارهای گفتمانی ساخته می‌شود؛ به نظر او نباید تصور کرد که جهان چهره خوانایی را به سمت ما گرفته است تا آن را توصیف، یا در سخت‌ترین حالت رمزگشایی کنیم. به عبارت دیگر خود جهان بیرونی نظم‌ی بیش از آنچه ما بر آن استوار می‌کنیم، ندارد (کریمی، ۱۳۸۸: ۶۷).

البته همان‌طور که لاکلا و موفه (به نقل از میلز، ۱۳۸۲: ۶۶) می‌گویند برساخته شدن یک ابژه گفتمانی، ارتباطی به تقابل رئالیسم/ایده آلیسم ندارد. فی‌المثل این‌که پدیده‌ای مانند زمین لرزه را مشیت یا عذاب الهی تلقی کنیم یا رخدادی طبیعی، به ساختار گفتمانی وابسته است، نه خود رخداد و گر نه چنین واقعیتی در جهان بیرونی وجود دارد.

۶. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

گفتمان:

گفتمان طبق تعریف هال (۱۳۸۶: ۶۲-۶۳) مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که زبانی را برای صحبت کردن راجع نوع خاصی از دانش درباره موضوعی تجهیز می‌کند. هنگامی که گزاره‌هایی راجع به موضوعی در گفتمانی خاص اظهار می‌شوند، این گفتمان امکان آن را فراهم می‌آورد که موضوع به نحو خاصی ساخته شود، ضمناً شیوه‌های ساخته شدن موضوع را محدود می‌کند.

بازنمایی:

«بازنمایی» یکی از کارکردهای زبان است. در این چارچوب، بازنمایی به بازنمایی اندیشه‌ها در زبان و نیز به بازنمایی زبانی جهان تجربی اشاره دارد. بازنمایی، فرآیند اجتماعی مظهر چیزی بودن است. بازنمایی‌ها فرآورده‌های مظهر چیزی بودن به حساب می‌آیند. بنابراین این اصطلاح هم به فرآیندی دلالت دارد که در آن نشانه‌ها، مظهر معنای‌شان می‌شوند و هم به محصول این فرآیند اشاره می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت بازنمایی همان فرآیند اجتماعی فهم‌پذیرسازی در چارچوب همه نظام‌های دلالت‌کننده در دسترس (فیلم، نوشتار، گفتار و...) است.

نظریه‌های اخلاقی:

هنگامی که از مکاتب اخلاقی یا نظریه‌های اخلاق سخن به میان می‌آید، به ویژه آنجا که درباره تأثیر این مکاتب یا نظریه‌ها در شاخه‌های مختلف اخلاق کاربردی بحث می‌شود، مراد، مکاتب یا نظریه‌های مربوط به اخلاق هنجاری است. اخلاق هنجاری شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که به پرسش‌هایی از قبیل "فرد چگونه باید از لحاظ اخلاقی عمل کند؟" می‌پردازد. اخلاق هنجاری با فرااخلاق تفاوت دارد، زیرا معیارهای درستی و غلط بودن عمل را می‌کاود، درحالی‌که فرااخلاق به مطالعه مفهوم زبان اخلاقی و متافیزیک حقایق اخلاقی می‌پردازد. اخلاق هنجاری با اخلاق توصیفی نیز تفاوت دارد، زیرا اخلاق توصیفی به تحقیق تجربی بر روی عقاید اخلاقی مردم می‌پردازد. برخی نظریه‌های هنجاری اخلاق شامل اخلاق غایت‌گرا، اخلاق وظیفه‌گرا و اخلاق فضیلت‌گرا هستند.

*** از آن‌جا که این پژوهش کیفی است، تعریف «عملیاتی» در آن موضوعیت ندارد.

واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

تحلیل گفتمان، بازنمایی، نتیجه‌گرایی، فضیلت‌گرایی، وظیفه‌گرایی

روش‌شناسی پژوهش:

۱-۹. روش تحقیق:

[توصیفی] ☐ [تحلیلی] ☐ [کمی] ☐ کیفی ☒

۲-۹. شیوه گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای ☒ مشاهده ☒ مصاحبه ☐ پرسشنامه ☐ سایر ☐ لطفاً ذکر شود.

از مطالعه اسنادی و تحلیل ثانویه برای پیشین پژوهش و معرفی نظریه‌های اخلاقی و شناخت تحولات اجتماعی چهار دهه اخیر استفاده می‌شود.

۳-۹. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

.....

۴-۹. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

.....

*** برای تحلیل فیلمها و شناخت ارزش‌های اخلاقی سینمایی به روش تحلیل گفتمان و از الگوی زیر بهره خواهد برد:

نقطه مرکزی	نقطه مرکزی نشانه برجسته و اصلی هر گفتمان است.
مفصل‌بندی	۱) شناسایی فاعل و کنشگر ۲) بافت موقعیت (عوامل اجتماعی) ۳) بافت بینامتنی (عوامل تاریخی) ۴) جان مایه متن
عنصر و وقته	۱) اجزایی هستند که در ارتباط با یکدیگر مفصل‌بندی یک گفتمان را پدید می‌آورند. ۲) استدلال

۳) معانی بیان در جهت بیان کنش‌های مثبت خود ۴) سبک واژگان مثبت و منفی (نام‌گذاری، تصور ذهنی، روابط مفهومی) ۵) قصه‌گویی ۶) دسته‌بندی مفاهیم و مقولات ۷) توالی معنایی	
- معانی و نشانه‌ای که در گفتمان در حاشیه قرار دارد و طرد شده است. ۱) مفاهیم به حاشیه رانده شده ۲) استدلال طرد ۳) معانی بیان در جهت بیان کنش‌های منفی دیگران ۴) سبک واژگان مثبت و منفی	حوزه گفتمان گونگی

۵-۹. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟) این پژوهش از طریق مشاهده نمونه‌ای از متن فیلم‌های سینمایی تولید شده پس از انقلاب و تحلیل گفتمان آن‌ها انجام می‌شود. این نمونه به فیلم‌های پرفروش محدود می‌شود. بنا بر این جامعه آماری این پژوهش فیلم‌های سینمایی تولید شده در ایران پس از انقلاب است. تعداد فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی همچون دیگر شاخص‌های مربوط به سینما (تعداد نهادهای سینمایی، تعداد کارگردانان، تعداد نشریات و مجلات، تعداد تشکل‌ها و اصناف سینمایی و...) افزایش یافت. سینمای قبل از انقلاب در طی ۴۵ سال، ۱۱۴۱ فیلم ساخته بود. این در حالی است که سینمای پس از انقلاب، طی ۳۸ سال ۱۷۵۲ فیلم ساخته است. به عبارتی تعداد تولید فیلم سینمایی نسبت به قبل از انقلاب ۲ برابر شده است. بنابراین جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۸۴۹ فیلم تولید شده پس از انقلاب اسلامی ایران است.

۶-۹. نمونه‌گیری: ☐ تمام شماری می‌شود ☐ انجام نمی‌گیرد ☒ انجام می‌گیرد

نمونه‌گیری به روش هدفمند با حجم یا تعداد نمونه ۳۵ فیلم انجام می‌پذیرد.
 منطق نمونه‌گیری:

این پژوهش در جهت ضرورت مقایسه یافته‌های میدانی سینما با سیاست‌های کلان فرهنگی انجام خواهد شد. در اسناد بالادستی و نقشه‌های راه جمهوری اسلامی ایران به اخلاق و انسان و جامعه اخلاقی اشاره شده است. چنان که در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ یکی از اهداف سند، ایجاد جامعه‌ای اخلاقی برشمرد شده است. در این زمینه سینما خود علاوه بر آن که تجلی مشروطی از اخلاق در جامعه است، بازتولیدکننده و مروج ارزش‌های اخلاقی نیز محسوب می‌شود. انتظار این است که یافته‌های این طرح کمکی برای ارزیابی مفاهیم اخلاقی و فیلم‌های اخلاقی برای برنامه‌ریزان فرهنگی، و سیاست‌گذاران حوزه سینما و نقادان و نیز فیلمسازان باشد. لذا نمونه انتخاب شده در این پژوهش سینمای پرفروش پس از انقلاب است. بدین منظور از جامعه آماری گفته شده تمامی فیلم‌های پرفروش هر سال طبق لیست زیر انتخاب شده است. به بیان دیگر میان فیلم‌های پرفروش هر سال نمونه‌گیری انجام نشده و همه فیلم‌ها مد نظر این پژوهشند.

پرفروش‌ترین فیلم‌ها بر پایه سال

سال	نام فیلم	میزان فروش	تعداد بیننده
۱۳۶۴	عقاب‌ها	۲۸۰۸۴۰،۱۷۳	۳۰۲۴۵،۸۵۹
۱۳۶۵	گمشده	۲۰،۳۰۹،۴۰۹	۲،۲۷۸،۸۸۹
۱۳۶۶	اجاره‌نشین‌ها	۳۳،۹۲۳،۸۵۸	۳،۰۵۱،۳۹۰
۱۳۶۷	کانی مانگا	۳۹،۸۳۸،۳۷۷	۳،۵۰۳،۹۰۸
۱۳۶۸	افق	۳۷،۳۶۱،۰۶۵	۲،۷۵۷،۱۷۰
۱۳۶۹	خواستگاری	۷۴،۰۶۲،۳۸۴	۴،۳۴۰،۱۹۳

سال	نام فیلم	میزان فروش	تعداد بیننده
۱۳۷۰	عروس	۱۱۵۰۲۷۷،۵۸۳	۴،۴۲۳،۵۳۸
۱۳۷۱	دیگه چه خبر!؟	۹۹،۲۹۱،۳۴۸	۲،۷۷۹،۸۶۳
۱۳۷۲	افعی	۱۹۹،۰۳۰،۸۷۱	۴،۵۱۷،۶۴۳
۱۳۷۳	کلاه قرمزی و پسر خاله	۲۹۵،۷۹۳،۰۷۵	۴،۳۰۱،۸۴۸
۱۳۷۴	پرواز از اردوگاه	۱۹۶،۸۰۷،۱۷۰	۳،۱۰۲،۳۷۴
۱۳۷۵	خواهران غریب	۳۷۰،۵۲۴،۶۳۰	۳،۲۱۹،۴۲۱
۱۳۷۶	آدم برفی	۵۸۶،۳۸۵،۲۲۰	۴،۴۷۳،۲۷۷
۱۳۷۷	مرد عوضی	۸۴۹،۳۶۴،۶۲۰	۳،۷۹۲،۰۳۳
۱۳۷۸	قرمز	۷۹۴،۹۰۳،۹۶۰	۳،۰۶۱،۰۱۰
۱۳۷۹	شوکران	۷۷۴،۳۴۹،۸۷۰	۲،۷۰۰،۲۶۹
۱۳۸۰	مریم مقدس	۶۸۴،۱۹۶،۷۵۰	۱،۸۳۵،۵۰۱
۱۳۸۱	کلاه قرمزی و سروناز	۸۳۴،۸۸۵،۱۰۰	۱،۵۶۱،۴۵۵
۱۳۸۲	توکیو بدون توقف	۷۲۵،۲۶۲،۶۰۰	۱،۳۲۵،۹۹۳
۱۳۸۳	کما	۱،۰۹۶،۸۰۶،۸۰۰	۱،۰۹۳،۰۵۹۱
۱۳۸۴	آکوارיום	۸۹۰،۵۶۸،۳۹۰	۱،۰۲۷۴،۵۴۶
۱۳۸۵	آتش بس	۱،۰۶۵۱،۲۰۳،۶۵۰	۱،۰۸۹۹،۲۳۱
۱۳۸۶	اخراجی ها	۲،۰۳۲،۵۹۳،۵۰۰	۱،۸۷۶،۸۷۱
۱۳۸۷	چارچنگولی	۱،۰۹۰۶،۵۰۵،۵۰۰	۱،۳۷۹،۳۶۸
۱۳۸۸	اخراجی ها ۲	۷،۸۸۴،۱۴۶،۷۰۰	۵،۳۲۸،۲۹۷
۱۳۸۹	ملک سلیمان	۲،۸۴۹،۶۲۸،۱۵۰	۱،۳۴۹،۰۶۹
۱۳۹۰	اخراجی ها ۳	۴،۶۶۱،۶۵۷،۹۴۰	۲،۱۹۹،۷۵۰
۱۳۹۱	کلاه قرمزی و بچه ننه	۴،۷۵۴،۱۰۳،۹۰۰	۱،۴۶۸،۸۹۹
۱۳۹۲	رسوایی	۴،۰۸۲،۶۰۵،۰۰۰	۱،۱۲۸،۷۱۵
۱۳۹۳	شهر موشها ۲	۹،۸۱۷،۳۱۳،۴۰۰	۲،۳۳۴،۵۲۲
۱۳۹۴	محمد رسول الله	۱۴،۵۵۸،۸۲۹،۳۰۰	۲،۴۶۳،۱۲۵
۱۳۹۵	فروشنده	۱۵،۷۱۴،۹۱۹،۶۰۰	۲،۱۶۰،۰۵۰
۱۳۹۶	نهنگ عنبر ۲: سلکشن رؤیا	۲۰،۹۹۱،۸۹۵،۵۰۰	۲،۶۷۴،۶۴۸
۱۳۹۷	هزارپا	۳۸،۰۶۳،۸۴۸،۰۰۰	۴،۲۱۸،۷۹۳
۱۳۹۸	مطرب	۳۸،۵۴۶،۴۵۶،۰۰۰	

سازماندهی پژوهش (فصل بندی):

پیشگفتار

فصل اول

۱. اخلاق، گفتمان‌ها و نظریه‌های اخلاقی

۲. گفتمان و سینما

۳. سینما و اخلاق

فصل دوم

تحولات اجتماعی در چهار دهه اخیر

فصل سوم

اخلاق در فیلمهای پرفروش: نگاهی تحلیلی به ۳۵ فیلم پرفروش

فصل چهارم

تغییرات ارزش‌های اخلاقی در چهار دهه سینمای ایران بعد از انقلاب

دهه اول

دهه دوم

دهه سوم

دهه چهارم^{۱۰}

فصل پنجم

نتیجه‌گیری: تطورات ارزش‌های اخلاقی سینمای ایران بعد از انقلاب و نسبت آن با تحولات اجتماعی

حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: ۲۵۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای

۱. نتایج قابل انتظار از طرح:

- | | |
|---|---|
| ۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع ☐ | ۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد ☐ |
| ۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی ☒ | ۵. تدوین طرح جامع ☐ |
| ۳. تهیه سند راهبردی ☐ | ۶. سایر موارد ذکر شود: |

با توجه به این که در این طرح همه فیلم‌های پرفروش مورد تحلیل قرار می‌گیرند در سطح بینشی و شناختی به فراهم‌آوری زمینه شناخت جدید از تأثیرات و رابطه متقابل سینما و جامعه در طرح مسایل اخلاقی برای تولیدکنندگان و سیاست‌گذاران خواهد رسید. در سطح کاربردی نیز تمرکز بر گزینش ارزش‌های اخلاقی در متن فیلم‌ها و پرداختن به زیرساختهای اخلاقی آثار سینمایی ملاکی جدید در ارزیابی مفاهیم اخلاقی و فیلم‌های اخلاقی برای داوران و سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند.

^{۱۰} بدیهی است چنین بخش بندی بنا بر مفروض گرفتن تفاوتها و تمایزات تحلیلی دهه‌ای حاصل از مطالعه فیلمها انجام شده است. هر نوع نتایج حاصل از تحلیلی فیلمها و بافت تاریخی اجتماعی آنها می‌تواند انواع دی‌گری از تقسیمی‌بندی را محتمل سازد

۲. مهم ترین منابع و مأخذ فارسی و خارجی:

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	دوینیو، ژان	جامعه شناسی هنر	مهدی سحابی		تهران	مرکز	۱۳۷۹
۲	سلطانی، سیدعلی اصغر	قدرت، گفتمان و زبان، تهران			تهران	نی	۱۳۸۷
۳	فرانکنا، ویلیام کی	فلسفه اخلاق	هادی صادقی		قم	طاها	۱۳۷۶
۴	فرکلاف، نورمن	تحلیل انتقادی گفتمان	ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران		تهران	مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها	۱۳۷۹
۵	مهدیزاده، سیدمحمد	رسانه ها و بازنمایی			تهران	دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها	۱۳۸۷
۶	ون دایک، تئون	مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی	پیروز ایزدی و دیگران		تهران	مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها	۱۳۸۲
۷	یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس	نظریه و روش در تحلیل گفتمان	هادی جلیلی		تهران	نی	۱۳۸۹
۸	کانت، ایمانوئل	درس های فلسفه اخلاق	منوچهر صانعی دره بیدی		تهران	نقش و نگار	۱۳۹۳
۹	مطهری، مرتضی	فلسفه اخلاق			تهران	صدرا	۱۳۹۵
۱۰	شهریاری، حمید	فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه /السدير مک /اينتائير			تهران	سمت	۱۳۸۵
۱۱	ارسطو	اخلاق نیکوماخوس	محمد حسن لطفی		تهران	طرح نو	۱۳۷۸
۱۲	بکر، لارنس سی	فلسفه اخلاق: مجموعه مقالات برگرفته از دایره المعارف فلسفه اخلاق	جمعی از مترجمان		قم	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	۱۳۸۰
۱۳	داروال، استیون داروال	نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم	مصطفی ملکیان			دفتر پژوهش و نشر سهروردی	۱۳۸۱

۱۴	گنسلر، هری جی	درآمدی جدید به فلسفه اخلاق	حمیده بحرینی		آسمان خیال	۱۳۸۵
۱۵	استوری، جان	مطالعات فرهنگی درباره ی فرهنگ عامه			آگه	۱۳۹۷
۱۶	استریناتی، دومینیک	مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه	ثریا پاک نظر		گام نو	۱۳۸۸
	دورینگ، سایمون	مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)	نیمیا ملک محمدی و شهریار وقفی پور		تلخون	۱۳۸۲
	میلنر، اندرو میلنر و جف براویت	درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر		تهران	ققنوس	۱۳۹۷
	بنیامین، والتر و دیگران	زیبایی شناسی انتقادی: گزیده نوشته هایی در باب زیبایی شناسی	امید مهرگان	تهران	گام نو	
	ماکس، رافائل		اکبر معصوم بیگی		آگه	۱۳۹۷
	فالزن، کریستوفر	فلسفه به روایت سینما	ناصرالدین علی تقویان	تهران	نضر قصیده سرا	۱۳۸۲
	متز، کریستین	نشانه شناسی سینما	روبرت صافاریان	تهران	نشرایثارگران	۱۳۷۶
	یزداتجو، پیام	اکران اندیشه: فصلهایی در فلسفه سینما		تهران	نشر مرکز	۱۳۹۴
	سالیوان، راجر	اخلاق در فلسفه کانت	عزت الله فولادوند	تهران	طرح نو	۱۳۸۰
	آسابرگر، آرتور	تحلیل گفتمان کاربردی: فرهنگ عامه، رسانه ها و زندگی روزمره	حسین پاینده	تهران	مروارید	۱۳۹۸
	گاردنر، سباستین و خوسه لویس برمودس	هنر و اخلاق	مشیت علایی		فرهنگستان هنر	۱۳۸۸
	شیروانی، علی	خودگرایی و غایت انگاری اخلاقی		قم	پگاه حوزه، ش. ۱۱، صص. ۱۴۰-۱۷	۱۳۸۲
	مجلسی، محمدباقر	بحار الانوار		بیروت	داراحیاء التراث العربی	۱۴۰۴
	مصباح یزدی، محمدتقی	اخلاق در قران		قم	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	۱۳۷۶

۱۳۸۶		تهران	خردنامه همشهری		فلسفه فیلم ایرانی	شمالی، بهزاد
۱۳۹۰			مطالعات فرهنگی و ارتباطات		سینما درباره سینما: میتا سینما در سینمای پس از انقلاب اسلامی و مجادله بر سر خود سینما	آزاد ارمکی، تقی و خالق پناه، کمال
۱۳۹۴			زن در فرهنگ و هنر		واکاوی سوژه زن در فضای گفتمانی سینمای ایران	بخارائی، احمد و علیخواه، فردین و نباتی شاغل، امین
۱۳۹۲		تهران	سوره		اخلاق و ارزشهای اجتماعی	هوشنگی، حسین
۱۳۷۹	مرکز	تهران		مهدی سحابی	جامعه شناسی هنر	دوونینو، ژان
1997	sage	London			The Work of Representation, In Cultural Representation and Signifying Practice, Sage Publication	Hall, Stuart

۳. هزینه‌های پرسنلی *

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح و نوع همکاری	سطح تحصیلات	رشته تخصصی	ساعات کار در ماه	مدت همکاری	مبلغ پرداختی در ماه	هزینه
۱	علیرضا دهقان	مجری	دکتری	علوم اجتماعی	۳۰	۹ ماه	۲ میلیون	۱۸ میلیون
۲	زهره علیخانی	همکار اصلی	دکتری	ارتباطات	۶۰	۹	۱ میلیون	۹ میلیون
۳	سمیه چاپچی	همکار پژوهش	کارشناس ارشد	ارتباطات	۶۰	۶	یک میلیون	۶ میلیون
جمع هزینه							۳۳ میلیون تومان	

*براساس ضوابط آئین‌نامه‌های پژوهشی

۴. سایر هزینه‌ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...):

ردیف	شرح	هزینه	شرح	هزینه
۱	تهیه منابع و خرید اطلاعات ضروری	یک میلیون		
۲	تایپ و صفحه آرایی و تجلید	یک میلیون		
۳	مسافرت درون شهری	یک میلیون		

۳۶ میلیون تومان	مبلغ کل هزینه‌های اجرای طرح
-----------------	-----------------------------

۵. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

نحوه ارائه گزارش	درصد پرداخت	پیش‌بینی زمان و درصد پیشرفت کار		شرح خدمات	عنوان مرحله	
		درصد پیشرفت کار	زمان لازم (روز)			
بدون ارائه گزارش	۲۰ *	۰	۰	تهیه پروپزال	صفر	
گزارش مکتوب	۳۰	۵۰	۱۳۰	مرور ادبیات نظری و مطالعه اسنادی شناخت اجتماعی چهار دهه بعد انقلاب	گزارش مرحله اول	شرح خدمات گزارش‌های مراحل مختلف طبق نظر مجری (۸۰ درصد پیشرفت طرح)
گزارش مکتوب	۳۰	۸۰	۱۶۰	تحلیل نمونه فیلم‌ها و آرایه یافته‌ها و نتیجه‌گیری	گزارش مرحله دوم	
فایل مکتوب نهایی	۲۰	۱۰۰	۷۵	ارائه گزارش نهایی	نهایی	

* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.